

Population aging; A challenge for the National Security of the Islamic Republic of Iran in the next Two Decades

Mohammad Reza Ahadi

Mohammad Rahim Eivazi

Abstract

Population aging is one of the most important events of the current era in human societies, especially for developing countries. According to many demographic forecasts, Iran will face this issue severely in the next two decades.

This study investigates the effects of population aging on Iran's national security over the next two decades. The research method is descriptive-analytical, and the data are analyzed using available sources and statistics. The primary approach of this research is quantitative; thus, demographic data are the basis of analysis.

Based on this study's findings, the process of population aging impact on Iran's national security in the next two decades will be affected by the outcome of four categories of legitimizing factors, including economic issues, welfare and development issues, and family issues. Therefore, aging can jeopardize national security by influencing these variables.

As a result of the emergence of the issue of population aging in Iran, there will be numerous and far-reaching consequences in the economic, social, cultural, and political spheres of the Iranian government and society. It is feared that the whole social and governing system will be in crisis, and all development programs that are disrupted due to this crisis will lead to delegitimization, disruption of political stability and national security of the country. Therefore, it is suggested that effective action be taken on the necessary policies to strengthen these areas.

Keywords: *Population aging ,national security, Welfare Issues, Development, Family*

سالمندی جمعیت؛ چالشی برای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در دودعه آینده^۱

محمد رضا احدی

گروه علوم سیاسی، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران Mr.ahadi72@gmail.com

محمد رحیم عیوضی

نویسنده مسئول، گروه علوم سیاسی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران M.eyvazi@shahed.ac.ir

چکیده

سالمندی جمعیت یکی از مهم‌ترین رویدادهای قرن حاضر در جوامع بشری و به‌ویژه برای کشورهای در حال توسعه است. براساس بسیاری از پیش‌بینی‌های جمعیتی انجام‌شده کشور ایران نیز در دودعه آینده به‌شکلی یگانه و شدید با این مسئله روبرو خواهد شد.

هدف: هدف این پژوهش بررسی تأثیرات مسئله سالمندی جمعیت بر امنیت ملی کشور ایران طی دودعه آینده است.

روش: روش پژوهش توصیفی-تحلیلی است و با استفاده از منابع و آمارهای در دسترس، داده‌ها تحلیل می‌شوند؛ روش اصلی این پژوهش کمی است و داده‌های جمعیت‌شناسی مبنای تحلیل هستند.

یافته‌ها: براساس یافته‌های این پژوهش فرایند تأثیرگذاری سالمندی جمعیت بر امنیت ملی ایران در دودعه آینده، از برآیند چهار دسته عوامل مشروعیت‌زدا شامل مسائل اقتصادی، مسائل رفاهی و توسعه و مسائل خانواده تأثیر می‌پذیرد و سالمندی می‌تواند با تأثیرگذاری بر این متغیرها امنیت ملی را به مخاطره اندازد.

نتیجه‌گیری: در نتیجه بروز مسئله سالمندی جمعیت در ایران، تبعات متعدد و گسترده‌ای در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جامعه و دولت ایران به‌وجود خواهد آمد؛ به‌گونه‌ای که بیم آن می‌رود که کل سیستم اجتماعی و حاکمیتی دچار بحران و تمام برنامه‌های توسعه‌ای دچار اختلال و ناکارآمدی حاصل از این بحران منجر به مشروعیت‌زدایی، به‌هم خوردن ثبات سیاسی و امنیت ملی کشور شود؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود نسبت به سیاست‌گذاری‌های لازم برای تقویت این حوزه‌ها اقدام مؤثر صورت گیرد.

واژه‌های کلیدی: سالمندی جمعیت، امنیت ملی، مسائل رفاهی، توسعه، خانواده

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۵/۰۴ تاریخ بازبینی: ۹۹/۰۷/۲۰ تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۸/۰۳

فصلنامه راهبرد، دوره ۲۹، شماره ۹۶، پاییز ۱۳۹۹، صص ۶۳-۱۰۲

۱. این یک مقاله دسترسی آزاد تحت مجوز/ <http://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/> (CC BY-NC-ND) است.

(licenses/by-nc-nd/4.0) است.

این مقاله برگرفته از نتایج پایان‌نامه دکترای نویسنده اول در دانشگاه آزاد اسلامی - واحد تهران مرکز است.

مقدمه

جمعیت مؤلفه‌ای است که همیشه و در همه سیاست‌گذاری‌ها و در تمام مظاهر و شئون اجتماعی بشری وجود داشته‌است. این عامل مهم‌ترین شرط امکان حکومت است و ضرورت دارد به‌شیوه‌ای تحت مدیریت درآورده شود که در قالب آن، زندگی افراد توسعه‌یابد و به تقویت توانمندی دولت و امنیت ملی منجر شود. سالمندی، مرحله‌طبیعی از حیات انسان است؛ اما سالمندی یا پیری جمعیتی، زمانی رخ می‌دهد که نسبت افراد بیشتری از کل جمعیت دچار این وضعیت شوند و تعادل و توازن جمعیتی از شکل طبیعی خود خارج شود. پدیده «سالمندی جمعیت» یکی از وقایع مهم جمعیت‌شناسی قرن حاضر است که در سال‌های اخیر نگرانی‌های زیادی را در میان سیاست‌گذاران به‌وجود آورده‌است. کاهش نیروی کار، کاهش نیروی‌های بااستعداد نظامی، تأثیرات بر مسائل زیست‌محیطی، تأثیر بر مسئله بهبود نسل، موضوع انصاف اجتماعی، مسئله تبعیض سنی، تغییر ساخت نهاد خانواده، بحران در برنامه‌های مراقبت پزشکی، افزایش هزینه‌های سلامت سالمندان، تأثیرات منفی بر اقتصاد و اثر آن بر رشد اقتصادی جامعه و چگونگی گذار انسان‌ها از این دوره سنی، از جمله مهم‌ترین نگرانی‌ها در قبال مسئله سالمندی جمعیت است. ایران هم از آن دست کشورهای در حال توسعه است که در آینده نزدیک به شدت با مسئله پیری دست‌به‌گریبان خواهد بود. سیاست‌های افزایش جمعیتی که در دهه ۱۳۵۰ و ۱۳۶۰ خورشیدی در ایران به اجرا درآمد، رشد بی‌سابقه جمعیت و نسل «بیش‌زایی» موسوم به دهه‌شصتی‌ها را به دنبال داشته‌است. این شوک جمعیتی با گذشت زمان به رده‌های سنی بالاتر انتقال یافته و تبعات آن در دودهمه آینده،

باعث اختلال در کارکرد نظام و مشروعیت‌زدایی از حکومت و در نتیجه چالش امنیت‌ملی کشور خواهد شد.

۱. بیان مسئله

جمعیت، مؤلفه‌اساسی مباحث اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و امنیتی است. بدون مطالعه جمعیت، سیاست‌گذاری و حکمرانی امری امکان‌ناپذیر و غیرقابل‌تصور است. باتامور^۱ عقیده داشت که مطالعه پدیده‌های جمعیتی دست‌کم از نظر تاریخی یکی از نخستین رشته‌های علوم اجتماعی معاصر بوده است. فوکو^۲ جمعیت را مهم‌ترین شرط امکان حکومت دانسته است. به نظر وی از آنجاکه ثروت و قدرت یک دولت در جمعیت آن نهفته است، پس باید جمعیت به صورت فاعل دگرگونی‌ها، انتظام‌بخشی‌ها، نیازها و آمال؛ به شیوه‌ای ویژه بررسی شود. وی از ظهور یک جمعیت در قالب عرصه سیاسی به عنوان «زیست قدرت» یاد می‌کند. به این اعتبار زندگی و مرگ، سلامتی، طول عمر، سالمندی و نژاد به پدیده‌های حائز اهمیت سیاسی تبدیل می‌شوند که ضرورت دارد به شیوه‌ای تحت مدیریت حکومت درآورده شوند که در قالب آن زندگی افراد به «شیوه‌ای توسعه‌یابد که توسعه آن‌ها همچنان به تقویت توانمندی دولت منجر شود». (نش، ۱۳۹۴: ۲۲۸)

محققین به شکل ساده و کلی بروز سالمندی جمعیتی را دارای ارتباط مستقیم با کاهش میزان باروری و کاهش میزان مرگ‌ومیر و افزایش امید به زندگی دانسته‌اند. هرچند علاوه بر این مؤلفه‌ها، وقایع دیگری چون: ازدواج، طلاق و مهاجرت نیز در این موضوع مؤثرند. ایران نیز از جمله کشورهای در حال توسعه است که در آینده نزدیک به شدت با مسئله پیری دست‌به‌گریبان خواهد بود. سیاست‌های افزایش جمعیتی که در دهه ۱۳۵۰ و ۱۳۶۰ خورشیدی در ایران اجرا شد، رشد بی‌سابقه جمعیت و نسل «بیش‌زایی»^۳ معروف به دهه‌شصتی‌ها را به دنبال داشته است. این شوک جمعیتی طی گذشت زمان به رده‌های سنی بالاتر

1. Bottomore.T. B

2. Foucault.M

3. Baby Boomers

انتقال یافته و پیش‌بینی‌های انجام‌گرفته، بیان‌کننده آن است که سالمندی و تبعات ظهور این بیش‌زایی، دهه‌های متوالی جامعه ایران را با چالش مواجه خواهد ساخت. براساس تحقیقات جمعیت و جامعه‌شناسان، بخش عمده از این شمار موالید بالا که به متولدین دهه سال‌های ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۵ مربوط می‌شود، در حال عبور از سن باروری هستند. این گروه سنی، در دهه ۱۳۸۰، وقتی به سنین ۲۴-۲۰ سال رسیدند، باروری کشور تغییر چندانی نکرد، پنج‌سال بعد نیز وقتی این نسل به سنین ۲۹-۲۵ سال رسیدند، باز هم تغییر قابل‌توجهی در باروری کشور رخ نداد. در ادامه هر چند این جمعیت وقتی به سنین ۳۴-۳۰ سال رسیدند، میزان باروری آن‌ها کمی بیشتر شد، اما این روند استمرار نداشت و به اصطلاح جمعیت‌شناسان «سطح جایگزینی»^۱ جمعیت تأمین نشد. باتوجه به آمار موجود، اگرچه جوانان نسل بیش‌زایی ایران، به‌طور میانگین، حداکثر به $\frac{2}{3}$ فرزند فکر می‌کردند؛ ولی در عمل در حدود $\frac{1}{9}$ فرزند متولد شده‌است. این نشان می‌دهد که آن تعداد هم که تن به ازدواج و فرزندآوری دادند، شرایط مطلوب برای افزایش جمعیت را نداشته‌اند؛ بنابراین این نسل وقتی به سنین سالمندی می‌رسند، فرزند کافی برای حمایت از خود ندارند. نیز اگرچه در حال حاضر (۱۳۹۹ خورشیدی) اعداد و ارقام جمعیتی موجود نشان نمی‌دهند که بحران سالمندی شروع شده باشد، اما باتوجه به سرعت و شدت تأثیرات پدیده سالمندی، لازم است از هم‌اکنون این موضوع و تبعات جانبی آن مورد توجه قرار گیرد. به اعتقاد بسیاری از محققین، جمعیت ایران از $\frac{75}{15}$ میلیون نفر در سال ۱۳۹۰ به $\frac{87}{7}$ میلیون نفر در سال ۱۴۲۰ خواهد رسید. از سوی دیگر تحولات دو شاخص مرگ‌ومیر یعنی مرگ‌ومیر خام و امید به زندگی در بدو تولد، به رقمی حدود $\frac{6}{8}$ در هزار، در پایان دوره پیش‌بینی خواهد رسید. همچنین تغییرات الگوی سنی جمعیت کشور در مورد درصد جمعیت بالای شصت سال کشور، حاکی از این است که این درصد به‌طور فزاینده‌ای طی دوره مذکور افزایش خواهد یافت. به‌گونه‌ای که در پایان افق دوره پیش‌بینی در تمام سه سناریوی جمعیتی مطرح‌شده از سوی سازمان ملل متحد، بین ۱۹ تا ۲۳ درصد از

جمعیت کل کشور در سن بالای شصت سال قرار خواهد داشت. این در حالی است که براساس استانداردهای جمعیتی، به جمعیت‌هایی که آمار سالمندان آن بیش از ۱۰ درصد کل افراد جامعه را به خود اختصاص دهند، عنوان جمعیت سالخورده داده می‌شود.

اعتقاد جمعیت‌شناسان بر این است که ایران در سده آینده به یکی از سالخورده‌ترین کشورهای در حال توسعه تبدیل خواهد شد و سرعت سالخوردگی آن همچون سرعت کاهش باروری‌اش، منحصر به خود خواهد بود. از سوی دیگر شاخص‌های مربوط به پیش‌بینی فاکتور «میان‌سنی»^۱، (میان‌سن جوان‌ترین و مسن‌ترین گروه سنی) حاکی از این است که در دهه‌های آینده بیش از نیمی از افراد کشور بالای ۵۰ سال سن خواهند داشت. «شاخص سالخوردگی»^۲ نیز (نسبت سالمندان به کودکان) در سده آینده به رقمی حدود ۱۷۰ خواهد رسید. به این ترتیب در سده پیش‌روی، جمعیت سالمند کشور ۱/۷ برابر جمعیت کودک و نوجوان خواهد بود. این در حالی است که شاخص بالا، برای ژاپن در سال ۲۰۰۰، کمی بیش از ۱۰۰ بوده است. همچنین براساس تمام شاخص‌ها همچون درصد افراد سالخورده، میان‌سنی، نسبت‌های وابستگی، شاخص سالمندی و هرم‌های سنی گویای آن است که جمعیت ایران از اوایل دهه ۱۳۷۰، روند سالخوردگی را آغاز کرده و در سده پیش‌روی سالخورده‌ترین کشور جهان یا یکی از سالخورده‌ترین کشورهای جهان خواهد بود. در توضیح این روند قابل‌بیان است که براساس الگوهای جمعیتی موجود، الگوی سنی سالمندی از سال ۱۴۱۰ خورشیدی به بعد بر ساختار سنی جمعیت کشور چیره خواهد شد. در این مرحله با سرعتی فزاینده و به تدریج، تعداد سالمندان کشور افزایش خواهد یافت. در صورتی که دولت جمهوری اسلامی ایران الگوی مناسبی برای برخورد با مسئله سالمندی جمعیت نداشته باشد، این موضوع باعث چالش‌های مختلفی در حوزه اقتصاد (کاهش جمعیت کار و بالا رفتن رکود اقتصادی حاصل از این موضوع، کاهش میزان

1. Median Age

2. Age index

پس انداز ملی برای سال‌های بعد، مصرف بخش زیادی از پس‌انداز ملی برای خدمات درمانی، اختصاص یا انحراف بخش زیادی از بودجه عمومی به سمت درمان و مشکلات خاص سالمندان، افزایش هزینه خانوارهای میزبان والدین سالمند)، فشار بر سیستم بازنشستگی، افزایش هزینه‌های مستقیم و غیرمستقیم سلامت، بحران در برنامه‌ریزی پزشکی (با دو گرایش مراقبتی و درمانی)، برهم خوردن سیاست‌های جمعیتی به‌بود نسل، مسائل زیست‌محیطی، بهداشت روانی، اختلال در نظام و صنعت بیمه (افزایش حق بیمه نیروی کار، افزایش هزینه‌های خدمات بیمه‌ای و تهدید این صنعت)، فرهنگ جامعه، عدالت‌سنی و مسئله انصاف اجتماعی، همچنین تأثیرات موضوع بر نهاد خانواده، امنیت (کاهش نیروهای فعال سیاسی، کاهش تحرک و نشاط سیاسی - اجتماعی، غلبه روحیه محافظه‌کاری در اجتماع) و... خواهد شد. به نظر می‌رسد، در نتیجه برآیند این مسائل، علاوه بر زیرسیستم‌های درگیر بالا، کل سیستم اجتماعی کشور دچار اختلال و بحران خواهد شد و می‌توان گفت که این موضوع تمامی برنامه‌های میان و کوتاه‌مدت آینده و کشور را تحت تأثیر خود قرار خواهد داد. لذا براساس قرائت کارکردگرایانه از نظام سیاسی، ناکارآمدی حاصل از این بحران منجر به مشروعیت‌زدایی، به هم خوردن ثبات سیاسی و امنیت ملی کشور خواهد شد؛ بنابراین مسئله مهم حادث از موضوع سالمندی جمعیت کشورمان در دوددهه آینده «تهدید - کاهش امنیت ملی» حاصل از مشروعیت‌زدایی دولت خواهد بود.

۲. اهمیت و ضرورت پژوهش

این پژوهش از این جهت اهمیت دارد که به سه موضوع مهم زیر می‌پردازد:

- ۱-۲- تبیین چالش‌های حاصل از مسئله سالمندی و اثرات مضاعف این عوامل بر امنیت ملی کشور.
- ۲-۲- تبیین قرائتی جدید و کارکردی از امنیت ملی و رابطه آن با مسائل اجتماعی.
- ۳-۲- تبیین راهکارها و الگوی جدیدی برای تقویت امنیت ملی کشور ایران در دوددهه آینده.

باتوجه به اینکه در سال‌های آینده میزان رشد جمعیت کاهش می‌یابد و میزان سالمندان روبه فزونی است و این امر می‌تواند مشکلات زیادی در رشد و توسعه اقتصادی جامعه ایجاد و همچنین امنیت ملی جامعه را تضعیف کند؛ در مطالعات انجام شده کمتر به تأثیر سالمندی جمعیت بر امنیت ملی توجه شده است و ضرورت بررسی آن امروزه به وضوح دیده می‌شود.

۳. پرسش پژوهش

پرسش اصلی این پژوهش این است آیا سالمندی جمعیت؛ چالشی برای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در دودهمه آینده است؟

۴. فرضیه پژوهش

احتمالاً مسئله سالمندی جمعیت ایران در دودهمه آینده باعث ناکارآمدی و مشروعیت‌زدایی از دولت و به هم خوردن ثبات سیاسی و امنیت ملی کشور خواهد شد.

۵. روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع اکتشافی - توصیفی بوده، از نظر هدف، کاربردی و به صورت مقطعی برای دوره زمانی بالا، با استفاده از روش فن تحلیل روند صورت گرفته است؛ نیز داده‌های اطلاعاتی اسنادی بوده، با استفاده از روش‌های کتابخانه‌ای گردآوری شده، سپس به شکل استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. این پژوهش در حوزه علوم انسانی، برای قلمرو مکانی کشور جمهوری اسلامی ایران در بازه زمانی دهه‌های ۱۴۰۰ تا ۱۴۲۰ خورشیدی صورت گرفته است.

۶. تعاریف واژگان کلیدی

۶-۱. سالمندی جمعیت

سالمندی مرحله‌ای طبیعی از حیات انسان است؛ اما سالمندی یا پیری جمعیتی زمانی رخ می‌دهد که نسبت افراد بیشتری از کل جمعیت دچار این وضعیت شوند و تعادل و توازن جمعیتی از شکل طبیعی خود خارج شود. سالخوردگی یا پیری

جمعیتی، عبارت است از افزایش نسبت سالمندان در مقایسه با سایر گروه‌های سنی به صورت روزافزون. پدیده سالخوردگی جمعیت به موازات بالارفتن سطح بهداشت، ضوابط پزشکی، بالا رفتن سطح زندگی و کاهش میزان مرگ و میر در جوامع به وجود آمده است. این پدیده پس از انقلاب صنعتی در اروپا ظهور یافت و به تدریج از نیمه دوم قرن بیستم در کشورهای در حال توسعه کم و بیش پدیدار شد. (شیخی، ۱۳۶۸: ۱۳۷-۱۳۶) پدیده پیری یا «خاکستری شدن موی افراد جامعه» را می‌توان «تغییر توزیع جمعیت یک کشور به سمت سنین بالاتر به شمار آورد». در علم جمعیت‌شناسی برای توضیح این مفهوم از دو شاخص نسبت سالخوردگی جمعیت (یعنی نسبت حاصل تقسیم جمعیت ۶۰ ساله و مسن‌تر به جمعیت زیر ۱۵ سال) و میزان سالخوردگی جمعیت (یعنی حاصل تقسیم جمعیت ۶۵ ساله و مسن‌تر به کل جمعیت) استفاده می‌کنند. (سمیعی نسب، ۱۳۸۹: ۱۵)

سالخوردگی جمعیت فرایندی است که در آن «انتقال جمعیت شناختی» به دلیل باروری بالا، کم شدن مرگ و میر (به ویژه مرگ و میر نوزادان و کودکان) و به دنبال این وضعیت، کاهش اساسی و مستمر باروری به وجود می‌آید. بر اساس شاخص (میزان جمعیتی اگر بیشتر از ۱۲ درصد کل جمعیت ۶۰ سال و بالاتر (زنجان، ۱۳۷۶: ۴۷) یا بیش از ۱۰ درصد کل جمعیت ۶۵ سال و مسن‌تر باشند، آن جمعیت سالخورده تلقی می‌شود. (جهانفر، ۱۳۷۴: ۳۶) در تعریفی دیگر، سازمان ملل متحد نیز کشورها را دارای سه نوع ساخت جمعیتی شامل جمعیت‌های جوان، بزرگسال و سالخورده تقسیم کرده که ویژگی آن‌ها نسبت جمعیت سالمند در این کشورهاست. به این شکل که کشورهای دارای جمعیت جوان، عموماً کشورهایی هستند که نسبت سالمندان آن زیر ۴ درصد و کشورهای دارای جمعیت بزرگسال کشورهایی با نسبت سالمندان بین ۴ تا ۶ درصد و کشورهای دارای جمعیت سالخورده کشورهایی هستند که نسبت جمعیت سالمند آن‌ها بیشتر از ۷ درصد است. (سام‌آرا، ۱۳۹۳: ۳۲۶) در مطالعات جمعیت‌شناسی به جمعیت‌هایی که آمار سالمندان (۶۵ سال و مسن‌تر) آن بیشتر از ۱۰ درصد کل افراد جامعه را تشکیل دهند، جمعیت سالخورده می‌گویند و جمعیت‌هایی که این درصد کمتر از ۵ درصد باشد، جوان محسوب می‌شوند. با

در نظر گرفتن نیازهای ویژه سالخوردگان و نیز تأثیر روابط این گروه سنی با دیگر گروه‌ها و بخش‌های جامعه، مورد توجه قرار دادن آن‌ها در سیاست‌های توسعه‌ای، اهمیت روزافزونی یافته‌است. همچنین آلمان اولین کشوری بود که در سال ۱۸۸۹ میلادی برنامه اجتماعی سالمندان را در قالب برنامه بیمه اجتماعی مورد توجه قرار داد و به مرحله اجرا گذاشت. (شافریتز، ۱۳۹۰: ۴۸۲)

۶-۲. امنیت ملی

امنیت ملی وضعیتی است که در آن ملتی به دور از تهدید از دست دادن تمام یا بخشی از جمعیت، دارایی یا خاک به سربرد. (آشوری، ۱۳۸۷: ۳۸) مفهوم امنیت ملی وجوه چندگانه‌ای دارد. به همین دلیل تعاریف گوناگونی از آن ارائه شده‌است. مقوله کلی امنیت را می‌توان به احساس آزادی و دوری از ترس یا «احساس ایمنی» که ناظر به امنیت مادی و روانی است، نسبت داد که در آن صورت باعث استقلال رأی یک ملت و دولت شده و توانایی رویارویی با دخالت بیگانگان و نیروهای خارجی در امور داخلی را خواهد داشت. پیرامون اصطلاح امنیت ملی دو نوع رهیافت وجود دارد: الف) رهیافت سنتی و ب) رهیافت جدید. رهیافت سنتی و کلاسیک امنیت ملی را از منظر تک‌بعدی و به شکل مطالعه تهدید، استفاده و کنترل نیروی نظامی می‌نگرد که در این صورت عواقب و راه‌های برخورد با جنگ و مطالعه اینکه چگونه حکومت‌های ملی از قدرت نظامی به شکلی مؤثر برای مقابله با تهدیدات نظامی خارجی استفاده کنند، است. و لفرز^۱ در تحلیل سنتی خود از مفهوم امنیت ملی، می‌گوید که امنیت ملی برگرفته از ایده منافع ملی است و در واقع نشان‌دهنده تغییر نگاه از رفاه به امنیت در حوزه منافع ملی است. وی می‌گوید: «یک ملت تاحدی دارای امنیت است که چنانچه بخواهد از جنگ دوری کند، این خواست به قیمت پایمال شدن ارزش‌های بنیادینش تمام نشود و اگر درگیر جنگی شود باید بتواند با پیروزی در آن نبرد ارزش‌های خود را حفظ نماید». این رهیافت با دیدی تقلیل‌گرایانه و جزئی‌نگر، مفهوم امنیت را در چارچوب مرزهای ملی تعریف می‌کند.

در تعاریف جدید امنیت ملی؛ این رهیافت با ملاحظه تغییر و تحولات ایجادشده در محیط داخلی و بین‌المللی و چالش‌های حاصل از جهانی شدن، محلی شدن و بین‌المللی شدن و مسائلی مثل ایدز، مواد مخدر، محیط زیست، رکود اقتصادی، بمب‌اتم و... مفهوم امنیت ملی را جرح و تعدیل کرده و آن را اساساً از زاویه نرم‌افزاری بررسی می‌کند. در نتیجه امنیت ملی علاوه بر بررسی تهدید، استفاده و کنترل نیروی نظامی شامل اولویت‌بخشی به تهدیدهای محیطی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی می‌شود که بعضی از این تهدیدات، نه تنها به خلاف گذشته، شکل و ماهیت ابهام‌آمیزی پیدا می‌کنند، بلکه در وضعیت ایجاد وابستگی متقابل، ارتباط و نزدیکی روزافزون کشورها با یکدیگر، تهدیدات امنیتی؛ صورت و ماهیتی جهانی پیدا می‌کنند. در نتیجه طبق این رهیافت، اولاً تهدیدهای نظامی اولویت و اهمیت خود را ازدست می‌دهند، ثانیاً تأثیر محیط داخلی به نسبت محیط بین‌المللی چنانچه بیشتر نشود، حداقل هم‌تراز آن می‌شود. ثالثاً این رهیافت از دیدگاهی کلی‌نگر و جامع‌نگر، قلمرو و عرصه را مدنظر خود قرار داده به نحوی که تهدیدات در قالب داخلی و نیز در قالب بین‌المللی مطرح می‌شوند. (فارس، ۲۰۱۹)

۳-۶. مشروعیت‌زدایی

برای مفهوم مشروعیت در علم سیاست و دولت، تعاریف و معانی متعددی ذکر شده است؛ از جمله: اعتدال یا عدالت، قانونی بودن، حق حاکمیت و کارآمدی. (زارع، ۱۳۸۰: ۵۸) گروهی از اندیشمندان مشروعیت را با کارآمدی یک نظام سیاسی یکسان دانسته‌اند؛ یعنی یک نظام سیاسی هنگامی از مشروعیت برخوردار است که وظایف و کارکردهای متنوع خود را به درستی انجام می‌دهد. این نوع برداشت، قرائتی کارکردگرایانه از نظام سیاسی دارد. (محمدتقی، ۱۳۹۲: ۵۸) برخورداری از یک زیرساخت اجتماعی و فرهنگی قوی می‌تواند مدیریت امنیتی سالمی را به همراه داشته باشد. در کشورهای جهان سوم که محیط امنیتی‌شان نسبتاً متغیر است، وجود یک توان مؤثر و مناسب سیاسی برای اجرای وظایف امنیتی، جنبه‌ای حیاتی دارد. بهره‌مندی از چنین توانی مستلزم دربرداشتن شیوه‌ها و شگردهای درست کشورداری توسط زمامداران است که به تقویت مبانی و اساس

مشروعیت نظام‌سیاسی منجر می‌شود. در این شکل است که براساس رأی مورگنتا «دولت باتدبیر، منافع ناملموس قدرت ملی و در نتیجه موقعیت امنیتی مستحکم خویش را افزون می‌نماید.» (آزر، ۱۳۹۴: ۳۶)

اگر دولت در تأمین نیازهای بنیادینی چون رفاه و امنیت که مردم تصور می‌کنند تدارک آن‌ها به‌عهده دولت است، ناتوان باشد، می‌توان گفت که چنین دولتی از میزان محدودی مشروعیت برخوردار است یا کسری از مشروعیت را دارد. اقداماتی را که مردم به‌صورت گسترده و با هدف مخالفت با رژیم حاکم انجام می‌دهند، می‌توان مشروعیت‌زدایی نامید. (نش، ۱۳۹۴: ۱۷۵)

۷. روش پژوهش

در رشته جمعیت‌شناسی، محقق دانش را از طریق گردآوری داده‌های عددی و مشاهده‌ی نمونه‌ها و سپس عرضه‌ی این داده‌ها به تحلیل عددی فراهم می‌کند. در واقع مهم‌ترین روش در این رشته، روش‌های کمی و آماری است که بر مبنای تحلیل آمار گذشته می‌توان روند آینده را پیش‌بینی کرد؛ در مقابل روش کیفی قرار دارد که به شکل عمیق‌تری به وقایع اجتماعی می‌نگرد. تفاوت اصلی روش کمی و کیفی در مورد مفروضه‌های کاملاً متفاوتی است که هریک از آن‌ها در مورد هدف‌های تحقیق دارد. در رویکرد کیفی به پدیده‌های اجتماعی، هدف کشف معانی زیربنایی و نیز الگوی روابط بین افراد و پدیده‌هاست در حالی که روش کمی تحلیل کمی، نمایش عددی و دستکاری مشاهده‌ها به‌منظور تحلیل و تبیین پدیده‌هایی است که این مشاهده‌ها منعکس می‌کنند. در تحقیقات کمی، محقق بدون مشارکت یا تأثیر در فرآیند مطالعه، تنها نقش یک مشاهده‌گر عینی را بازی می‌کند، در حالی که محقق کیفی گرا با مشارکت و درگیر شدن در موقعیت به مطالعه و یادگیری بیشتری می‌پردازد. تفاوت مهم دیگر به قابلیت تعمیم داده‌ها برمی‌گردد. یافته‌های تحقیق کیفی تنها در محیط و بستر فرهنگی و اجتماعی مورد بررسی قابل تفسیر است.

مراد از تحلیل روند، مطالعه یک روند مشخص با هدف کشف ماهیت، علل بروز، سرعت گسترش و پیامدهای بالقوه آن است. تحلیل روندها باید دقیق باشد،

چراکه یک روند مشخص می‌تواند تأثیرات کاملاً متفاوتی بر ابعاد مختلف زندگی ما داشته باشد و شاید بسیاری از این تأثیرات در نگاه نخست قابل کشف نباشد. کورنیش تحلیل روند را «بررسی یک روند با هدف کشف ماهیت، علل بروز، سرعت گسترش و پیامدهای بالقوه آن» دانسته است. تجزیه و تحلیل روند وجهی از تحلیل تکنیکال است که تلاش می‌کند تا حرکت آینده را براساس داده‌های مربوط به گذشته پیش‌بینی کند. تجزیه و تحلیل روند برپایه این ایده شکل گرفته است که هرچه در گذشته اتفاق افتاده، به سیاست‌گذاران علامتی از آنچه در آینده اتفاق خواهد افتاد، می‌دهد. به شکل کلی سه نوع روند اصلی وجود دارد: کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت. معنی مصطلح روند شامل تغییراتی منظم، مستمر یا دوره‌ای در پدیده‌ها در طول یک بازه زمانی است. ممکن است تغییرات مذکور به شکلی کیفی یا کمی باشد. مثلاً، به روند تغییرات جمعیت (کمی)، یا روند تغییر ارزش‌ها (کیفی) می‌توان اشاره کرد در صورتی که روند می‌بایست به‌طور جامع آینده را دستخوش تغییر کند نه اینکه اثرپذیر باشد. این ویژگی باعث می‌شود بتوان در فعالیت‌های آینده‌نگاری از آن استفاده کرد. (علی احمدی، ۱۳۸۰: ۹)

تجزیه و تحلیل روندها مخصوصاً برای سنجش کارایی سیاست‌گذاری و نمایان کردن مشکلات در حال وقوع، مفیدند. ضعف عمده این روش، ساده‌انگاری نهفته در آن است؛ یعنی در جهان واقع، پیش‌بینی آینده با تعقیب روند گذشته یک داده، به‌سادگی و به‌ندرت ممکن است. این روش بیشتر برای کنترل داده‌هایی با تغییرات ملایم، مثل اطلاعات و آمار جمعیتی مناسب است. مناسب‌تر است که این روش برای بررسی آینده موضوعاتی که نسبت به متغیرهای بیرونی، تغییرات ناگهانی یا سریع نشان می‌دهند (مثلاً قیمت ارز) صرفاً به‌عنوان یک بررسی مقدماتی و از دیگر روش‌های آینده‌پژوهی به‌عنوان روش پایه استفاده شود.

۸. یافته‌های پژوهش

۸-۱. تجزیه و تحلیل مسئله سالمندی جمعیت و رابطه آن با امنیت ملی کشور ایران در دودهمه آینده

۸-۱-۱. روند گذشته

بررسی آمار و ارقام سرشماری عمومی مسکن و نفوس و آمارگیری‌های جاری جمعیتی ایران نشان می‌دهد که کشور ایران در دهه ۱۳۴۵-۱۳۵۵ با افزایش شدید زادوولد روبرو بوده، به گونه‌ای که در اثر افزایش تعداد باروری، درصد رشد سالانه نفوس کشور از ۲/۷ درصد در دهه ۱۳۴۵-۱۳۵۵ به ۳/۹ درصد در ۱۳۵۵-۱۳۶۵ رسیده است. (از این مقدار رشد ۳/۲ درصد مربوط به رشد طبیعی جمعیت و ۰/۷ درصد مرتبط با مهاجرین افغانی و عراقی بوده است) روند تغییرات باروری نشان می‌دهد که مقدار باروری کل از حدود ۷/۷ فرزند برای هر زن در سال ۱۳۴۵ به ۶/۳ فرزند در سال ۱۳۵۵ کاهش داشته است. بعد از این کاهش، وقفه‌ای موقتی در گذر جمعیتی ایران به وجود آمده و تحت تأثیر شرایط منبعت از انقلاب اسلامی، باروری در بین سال‌های ۱۳۵۶-۱۳۵۸ کمی افزایش یافته، سپس تا حوالی سال ۱۳۶۳ روند ثابتی را داشته است. از سال ۱۳۶۳ به بعد مجدداً و به تدریج روند کاهش باروری شروع شده و از ۶/۹ فرزند برای هر زن در این سال به ۵/۵ فرزند در سال ۱۳۶۷ - که زمان اجرای دوباره برنامه تنظیم خانواده است - رسیده و از این زمان به بعد نیز به سرعت سیر نزولی خود را طی کرده و میزان باروری کل به ۲/۷ فرزند در سال ۱۳۷۹ کاهش یافته است. (مشفق/انتقال سنی در ایران: تحولات سنی جمعیت و سیاست‌گذاری‌های اجتماعی، جمعیتی، ۹-۱۳۸۴: ۱۰)

جدول ۱. روند تحولات تعداد و درصد رشد سالانه جمعیت ایران از سال ۱۳۳۰ تا ۱۳۸۵

| سال | جمعیت به میلیون نفر | درصد رشد سالانه جمعیت |
|------|---------------------|-----------------------|
| ۱۳۳۰ | ۱۷/۰۶ | ۱/۹ |
| ۱۳۳۵ | ۱۸/۹ | ۲/۵۲ |
| ۱۳۴۵ | ۲۵/۷ | ۳/۱۳ |
| ۱۳۵۵ | ۳۳/۷ | ۲/۷۱ |
| ۱۳۶۵ | ۴۹/۴ | ۳/۹۱ |
| ۱۳۷۵ | ۶۰/۰۵ | ۱/۹۶ |
| ۱۳۸۵ | ۷۰/۵ | ۱/۶۱ |
| ۱۳۹۵ | ۷۹/۹ | ۱/۲۹ |

همان طور که داده‌های جدول نشان می‌دهند در دومقطع دهه ۴۰ و دهه ۶۰ رشد جمعیت کشور به بالای ۳ درصد رسیده ولی از دهه ۷۰ به بعد کاهش یافته است.

۸-۱-۲. تحلیل کمی و پیش‌بینی تحولات جمعیتی و شاخص‌های عمده آن در ایران

بخش جمعیت سازمان ملل متحد در هر چهار سال یک مرتبه براساس نتایج آمارگیری ملی کشورها و مفروضات و سطوح متفاوت باروری و مرگ‌ومیر، تحولات جمعیتی کشورها را در افق زمانی ۵۰ ساله در سه سناریوی مختلف (حد پایین، حد متوسط و حد بالای رشد جمعیتی) پیش‌بینی می‌کند. بر مبنای سناریوی حد پایین سازمان ملل - که قابل تطبیق با سیر فعلی کاهش باروری کل کشور است - جمعیت ایران از تعداد ۷۳/۳۶۴ میلیون نفر در سال ۱۳۹۰ به ۸۵ میلیون نفر در سال ۱۴۳۰ افزایش خواهد یافت و در ده سال پایان آن دوره، رشد جمعیتی منفی را تجربه خواهد کرد. (جدول ۲)

جدول ۲. پیش‌بینی رشد جمعیت ایران - سناریوی حد پایین

| سناریوی حد پایین | | | | | | دوره |
|------------------|-----------------------|----------------|------------------------|---------------------|-----------------|----------|
| سال | تعداد جمعیت (به هزار) | نرخ رشد سالانه | زمان دوبرابر شدن جمعیت | شاخص بقا، نسل (NRR) | میزان باروری کل | میان‌سنی |
| ۱۳۸۵ | ۶۹۹۵۵ | ۱ | ۶۹ | ۰.۸۲ | ۱.۷۵ | ۲۳.۳ |
| ۱۳۹۰ | ۷۳۳۶۴ | ۱.۰۶ | ۶۵ | ۰.۷۳ | ۱.۵۶ | ۲۶.۱ |
| ۱۳۹۵ | ۷۷۳۵۵ | ۰.۸۷ | ۸۰ | ۰.۶۹ | ۱.۴۵ | ۲۸.۹ |
| ۱۴۰۰ | ۸۰۷۸۵ | ۰.۵۸ | ۱۲۰ | ۰.۶۵ | ۱.۳۶ | ۳۱.۸ |
| ۱۴۰۵ | ۸۳۱۶۷ | ۰.۳۸ | ۱۸۲ | ۰.۶۵ | ۱.۳۵ | ۳۵ |
| ۱۴۱۰ | ۸۴۷۴۷ | ۰.۲۳ | ۳۰۱ | ۰.۶۵ | ۱.۳۵ | ۳۸ |
| ۱۴۱۵ | ۸۵۷۴۳ | ۰.۱۱ | ۶۳۰ | ۰.۶۵ | ۱.۳۵ | ۴۱ |
| ۱۴۲۰ | ۸۶۲۲۲ | -۰.۰۴ | - | ۰.۶۵ | ۱.۳۵ | ۴۳.۴ |
| ۱۴۲۵ | ۸۶۰۵۲ | -۰.۲۳ | - | ۰.۶۵ | ۱.۳۵ | ۴۵.۴ |
| ۱۴۳۰ | ۸۵۰۵۲ | -۰.۲۳ | - | ۰.۶۵ | ۱.۳۵ | ۴۷.۳ |

براساس سناریوی حد متوسط (جدول ۳) جمعیت ایران از تعداد ۷۵/۵۳۷ میلیون نفر در سال ۱۳۹۰ به ۱۰۵ میلیون نفر در سال ۱۴۳۰ خواهد رسید و در ۵ سال پایان آن دوره، میزان رشد جمعیت به صفر نزدیک خواهد شد.

جدول ۳. پیش‌بینی رشد جمعیت ایران - سناریوی حد متوسط

| سناریوی حد متوسط | | | | | | دوره |
|------------------|-------------|----------------|------------------------|---------------------|-----------------|----------|
| سال | تعداد جمعیت | نرخ رشد سالانه | زمان دوبرابر شدن جمعیت | شاخص بقای نسل (NRR) | میزان باروری کل | میان‌سنی |
| ۱۳۸۵ | ۷۰۶۷۵ | ۱,۲۴ | ۵۶ | ۱,۰۸ | ۲,۳۳ | ۲۳,۱ |
| ۱۳۹۰ | ۷۵۵۳۷ | ۱,۳۳ | ۵۲ | ۱,۰۲ | ۲,۱۸ | ۲۵,۴ |
| ۱۳۹۵ | ۸۱۴۲۲ | ۱,۵ | ۴۶ | ۰,۹۷ | ۲,۰۶ | ۲۷,۷ |
| ۱۴۰۰ | ۸۶۷۴۶ | ۱,۲۷ | ۵۵ | ۰,۹۳ | ۱,۹۵ | ۳۰,۱ |
| ۱۴۰۵ | ۹۰۹۲۷ | ۰,۹۴ | ۷۴ | ۰,۸۹ | ۱,۸۶ | ۳۲,۶ |
| ۱۴۱۰ | ۹۴۴۴۱ | ۰,۷۶ | ۹۱ | ۰,۸۸ | ۱,۸۵ | ۳۵ |
| ۱۴۱۵ | ۹۷۷۷۰ | ۰,۶۹ | ۱۰۰ | ۰,۸۹ | ۱,۸۵ | ۳۶,۱ |
| ۱۴۲۰ | ۱۰۰۹۶۴ | ۰,۶۴ | ۱۰۸ | ۰,۸۹ | ۱,۸۵ | ۳۷,۳ |
| ۱۴۲۵ | ۱۰۳۶۶۲ | ۰,۵۳ | ۱۳۱ | ۰,۸۹ | ۱,۸۵ | ۳۸,۷ |
| ۱۴۳۰ | ۱۰۵۴۸۵ | ۰,۳۵ | ۱۹۸ | ۰,۸۹ | ۱,۸۵ | ۴۰,۲ |

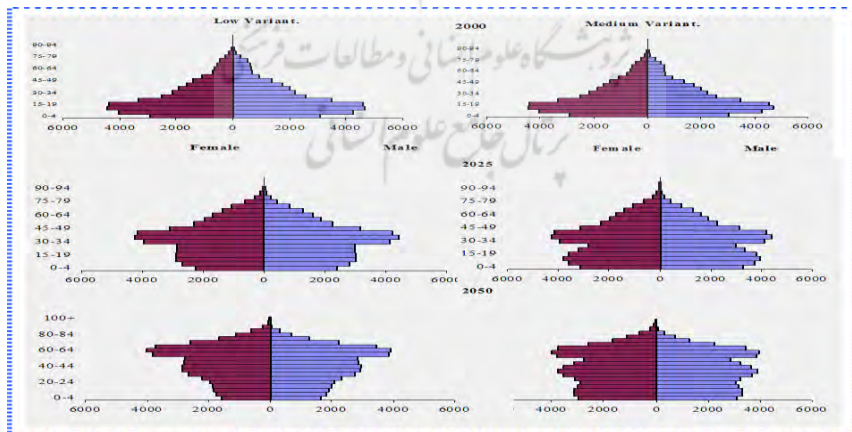
در نهایت براساس سناریوی حد بالای سازمان ملل (جدول ۴) جمعیت ایران از تعداد ۷۷/۳۰۴۸ میلیون نفر در سال ۱۳۹۰ به حدود ۱۲۸ میلیون نفر در سال ۱۳۴۰ افزایش خواهد یافت و در پایان دوره، رشد ۸۹٪ را تجربه خواهد کرد.

جدول ۴. پیش‌بینی رشد جمعیت ایران - سناریوی حد بالا

| سناریوی حد بالا | | | | | | دوره |
|-----------------|-------------|----------------|------------------------|---------------------|-----------------|----------|
| سال | تعداد جمعیت | نرخ رشد سالانه | زمان دوبرابر شدن جمعیت | شاخص بقای نسل (NRR) | میزان باروری کل | میان‌سنی |
| ۱۳۸۵ | ۷۱۲۴۲ | ۱,۴ | ۵۰ | ۱,۱۷ | ۲,۵۳ | ۲۲,۹ |
| ۱۳۹۰ | ۷۷۳۰۴ | ۱,۶۳ | ۴۳ | ۱,۱۸ | ۲,۵۳ | ۲۴,۹ |
| ۱۳۹۵ | ۸۴۹۹۱ | ۱,۹ | ۳۶ | ۱,۱۹ | ۲,۵۳ | ۲۶,۷ |
| ۱۴۰۰ | ۹۲۲۱۰ | ۱,۶۳ | ۴۳ | ۱,۱۶ | ۲,۴۵ | ۲۸,۵ |
| ۱۴۰۵ | ۹۸۲۲۳ | ۱,۲۶ | ۵۵ | ۱,۱۲ | ۲,۳۶ | ۳۰,۳ |
| ۱۴۱۰ | ۱۰۳۸۰۱ | ۱,۱۱ | ۶۲ | ۱,۱۲ | ۲,۳۵ | ۳۰,۹ |
| ۱۴۱۵ | ۱۰۹۷۸۸ | ۱,۱۲ | ۶۲ | ۱,۱۳ | ۲,۳۵ | ۳۱,۷ |
| ۱۴۲۰ | ۱۱۶۲۷۰ | ۱,۱۵ | ۶۰ | ۱,۱۳ | ۲,۳۵ | ۳۲,۶ |
| ۱۴۲۵ | ۱۲۲۶۱۱ | ۱,۰۶ | ۶۵ | ۱,۱۳ | ۲,۳۵ | ۳۳,۷ |
| ۱۴۳۰ | ۱۲۸۱۵۸ | ۰,۸۹ | ۷۸ | ۱,۱۳ | ۲,۳۵ | ۳۵,۱ |

۸-۲. تحلیل کیفی و پیش‌بینی تحولات جمعیتی و شاخص‌های عمده آن در ایران

همان‌طور که گفته شد، شواهد جمعیتی یافت‌شده از آمارگیری سال ۱۳۸۵ نشان می‌دهد که تحولات جمعیتی ایران با سناریوی حد پایین سازمان ملل تطبیق دارد. براین اساس الگوی تغییرات جمعیتی و رشد جمعیتی ایران در فاصله سال‌های ۱۴۱۵-۱۴۲۰ منفی خواهد بود. (مشفق، تحولات جمعیتی ایران، لزوم تجدیدنظر در سیاست‌های جمعیتی ۱۳۹۱: ۱۷۲-۱۵۱) همچنین شکل ۱ هرم‌های سنی جمعیت ایران را در سال‌های ۲۰۰۰ (۱۳۷۶)، ۲۰۲۵ (۱۴۰۱) و ۲۰۵۰ (۱۴۵۱) نشان می‌دهد. نمودارهای سمت چپ نشان‌دهنده میزان رشد کم جمعیت ایران تا سال ۲۰۵۰ است. در این حالت فرض شده که میزان باروری کل از ۲/۰۸ فرزند برای هر مادر ایرانی به ۱/۳۵ فرزند در سال ۲۰۵۰ می‌رسد و میانه سنی از حدود ۲۳ سال، در سال ۲۰۲۵ به حدود ۴۸ سال در ۲۰۵۰ خواهد رسید. این وضعیت مشابه حالتی است که در حال حاضر بیشتر کشورهای اروپایی با آن مواجه هستند و از آن به‌عنوان مرحله سقوط جمعیتی نام برده می‌شود. چنان‌که بیان شد، اگر سیر رشد جمعیت ایران از این الگو پیروی کند، در سال ۲۰۵۰ جمعیت ایران به شدت سالخورده خواهد شد.



شکل ۱. هرم‌های سنی جمعیت ایران در سال‌های ۲۰۰۰ و ۲۰۲۵ و ۲۰۵۰

۸-۳. تبیین سالمندی جمعیت ایران

پدیده پیری یا خاکستری شدن موی افراد یک جامعه، چالش سال‌های اخیر کشورهای توسعه‌یافته است که پایداری توسعه اقتصادی و ملی در این کشورها را با نگرانی‌های جدی روبرو ساخته است. پدیده سالمندی را می‌توان تغییر توزیع جمعیت یک کشور به سمت سنین بالاتر برشمرد. این پدیده را می‌بایست چالش آینده نه‌چندان دور کشورهای در حال توسعه به‌ویژه ایران دانست.

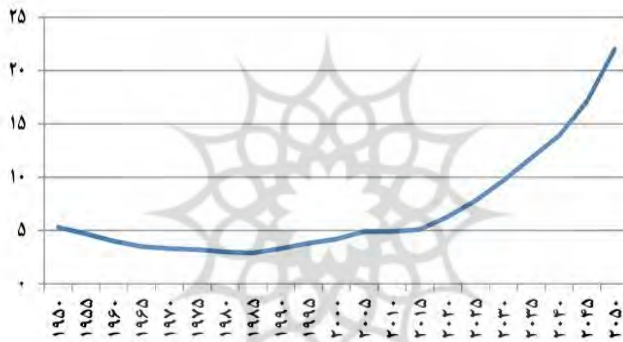
یک معیار ساده و درعین حال بسیار پرکاربرد در بررسی سالخوردگی جوامع، درصد افراد ۶۵ ساله و بیشتر است. از آنجا که مطالعه سالخوردگی جمعیت، اغلب با نگرانی در مورد فشاری بر سیستم‌های بازنشستگی همراه است، سالخوردگی جمعیتی را عموماً با معیار افزایش در سنین بازنشستگی که معمولاً ۶۵ سال است، اندازه‌گیری می‌کنند. (Gavrilov, 2003, p. 32)

به جمعیت‌هایی که آمار سالمندان آن بیش از ۱۰ درصد کل افراد جمعیت را تشکیل دهد، عنوان سالخورده داده می‌شود و جمعیت‌هایی که در آن این درصد کمتر از ۵ باشد، جمعیت جوان محسوب می‌شوند. (Swanson, 2004, p. 158)

یک نکته مهم دیگران است که تغییرات درصد افراد سالخورده، در ارتباط نزدیک با تغییرات در سایر گروه‌های سنی است؛ بنابراین، ممکن است با آنکه تعداد سالمندان افزایش می‌یابد اما درصد آن‌ها از کل جمعیت جامعه کاهش یابد و یا برعکس. برای مثال، کاهش زادوولد باعث کاهش سهم گروه‌های سنی کودک و نوجوان می‌شود و سهم دیگر گروه‌های سنی افزایش می‌یابد.

بنا بر شواهد آماری، روند رو به رشد جمعیت سالمندان که براساس اولین آمارگیری کل کشور و احتمالاً قبل از آن نیز وجود داشته تا پایان دوره مورد مطالعه ادامه خواهد یافت. مشفق و میرزایی در تحقیق خود نشان دادند که انتظار می‌رود در حدود سال ۱۴۳۰، نزدیک به ۳۰ میلیون نفر، فرد ۶۰ ساله و بیشتر در ایران وجود داشته باشد (حدود یک سوم جمعیت کل). این میزان نسبت به سال ۱۳۹۰ عدد قابل توجهی است و بیانگر افزایشی حدوداً ۵ برابری طی یک دوره ۴۰ ساله است. (مشفق، انتقال سنی در ایران: تحولات سنی جمعیت و سیاست‌گذاری‌های

اجتماعی، جمعیتی، ۱۶:۱۳۸۴) ادیب‌نیا نیز در پژوهش خود و براساس سناریوی حد بالای افزایش جمعیت محاسبه کرد که طی دهه‌های آتی، تغییر معناداری در ساختار جمعیتی کشور ایران صورت خواهد گرفت و تا پایان دهه، ۲۰۵۰ نسبت جمعیت سالمند تقریباً به یک‌سوم کل جمعیت خواهد رسید. (ادیب‌نیا، ۱۳۹۰: ۳۴) باسختا و همکاران نیز در پژوهش دیگری نشان‌دادند که تا پایان سده میلادی جاری این نسبت (یک‌سوم) برای جمعیت سالمند کشور ادامه دارد و در سال ۲۰۵۰ نیز حدود ۳۳ درصد جمعیت ایران، بالای ۶۰ سال خواهند داشت. (باسختا، ۱۳۹۴، ص. ۱۳۱-۱۴۶)



شکل ۲. روند رشد میزان جمعیت سالمندان تا سال ۲۰۵۰ (میرزایی، ۱۳۸۶)

آنچه در نمودار پژوهش اخیر مشاهده می‌شود، افزایش جمعیت زیر ۱۵ ساله‌ها در سال ۲۰۲۰ (۱۳۹۸) و در ادامه کاهش آمار این گروه سنی با شیئی ملایم همراه است. گروه سنی دوم، جمعیت ۱۵ تا ۶۴ سال است که جمعیت فعال بالقوه اقتصادی به حساب می‌آید. با توجه به اینکه قله جمعیت مربوط به دوره انفجار جمعیتی به سنین تولیدمثل رسیده، در نمودار فوق سطح جمعیتی قابل توجهی را به خود اختصاص داده است. هرچند این جمعیت در دو دهه آینده با افزایش نسبی همراه خواهد بود اما بخش زیادی از آنان، وارد سنین میان‌سالی و سپس بازنشستگی خواهند شد. از سال ۲۰۳۵ (۱۴۱۱) به تدریج از حجم جمعیت فعال

اقتصادی کم خواهد شد تا جمعیت این گروه سنی در سال ۲۱۰۰ (۱۵۰۰) به حدود ۴۷ میلیون نفر (از ۹۴ میلیون نفر کل جمعیت) برسد؛ اما در مورد گروه سنی سوم، براساس پیش‌بینی، مشاهده می‌شود که تا نیمه قرن حاضر به شدت بر جمعیت سالمندان ایران افزوده می‌شود و جمعیت این گروه سنی از ۵/۴ میلیون نفر در سال ۲۰۱۰ (۱۳۸۶) به بیش از ۳۰ میلیون نفر در ابتدای سال ۲۰۵۰ (۱۴۲۹) افزایش خواهد یافت.

همچنین باتوجه به جمعیت پیش‌بینی شده در سه سناریوی سازمان ملل میزان سالخوردگی به ترتیب ۲۳٪ و ۲۰٪ و ۱۷٪ خواهد بود. این نسبت طی سال‌های بعد از ۱۴۲۰ نیز افزایش خواهد یافت و در سال ۱۴۳۰ با همین ترتیب به ۳۵٪ و ۲۸٪ و ۲۳٪ خواهد رسید. همان‌طور که پیش‌تر نیز بیان شد، جمعیت‌شناسان ایرانی و خارجی بیشتر بر سناریوی افزایش، حد پایین جمعیت نظر دارند؛ بنابراین طی دوره ۱۴۲۰ تا ۱۴۳۰ میزان سالخوردگی جمعیت ایران (نسبت افراد ۶۰ ساله و بالاتر) از ۲۳٪ به ۳۵٪ خواهد رسید؛ یعنی در انتهای این دوره بیش از یک‌سوم جمعیت کشور را افراد مسن تشکیل خواهند داد. این مقدار افزایش در هیچ زمان دیگری تجربه نشده است و شاهدی بر سرعت گرفتن سالخوردگی جمعیت کشور در دهه‌های پیش‌رو است. براین اساس بسیاری اعتقاد دارند که ایران در دهه‌های آینده به یکی از سالخورده‌ترین کشورهای در حال توسعه مبدل خواهد شد و سرعت سالخوردگی آن نیز چون سرعت کاهش باروری‌اش، منحصر به فرد خواهد بود. لازم به یادآوری است که در حال حاضر، ژاپن که حدود ۲۳ درصد جمعیت آن بالای ۶۵ است، سالخورده‌ترین کشور جهان و با مسائل بی‌شماری روبه‌رو است.

جدول ۵. روند تغییرات تعداد (هزار نفر) و درصد سالمندان در گروه‌های سنی مختلف ۱۴۳۰-۱۳۹۰

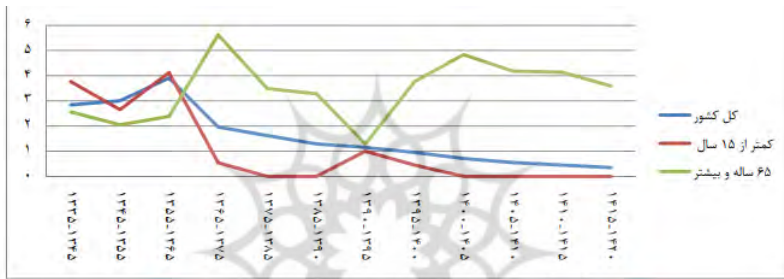
| سال | جنس | ۶۰ ساله و بیشتر (تعداد سالمندان) | | ۶۴-۶۰ ساله | | ۶۵-۷۴ ساله (اوان سالمندی) | | ۷۵-۸۴ ساله (سالمندان میانه) | | ۸۵ ساله و بیشتر (سالمندان سالخورده) | |
|------|-----|-------------------------------------|------|------------|-------|------------------------------|------|--------------------------------|------|--|------|
| | | تعداد | درصد | تعداد | درصد | تعداد | درصد | تعداد | درصد | تعداد | درصد |
| ۱۳۹۰ | مرد | ۳۰۲۳ | ۸۱ | ۳۹,۱ | ۱۲۰,۴ | ۳۹,۸ | ۷۵۸ | ۲۵,۱ | ۱۷۹ | ۵,۹ | |
| | زن | ۳۱۳۷ | ۹۸۲ | ۳۱,۳ | ۱۲۶۰ | ۴۰,۱ | ۷۱۷ | ۲۲,۸ | ۱۷۹ | ۵,۷ | |
| ۱۴۰۰ | مرد | ۴۱۱۹ | ۱۴۵۷ | ۲۵,۴ | ۱۷۶۳ | ۴۲,۸ | ۷۰۹ | ۱۷,۲ | ۱۹۰ | ۴,۶ | |

| | | | | | | | | | | |
|-----|-------|------|------|------|------|------|------|-------|-----|------|
| ۴,۵ | ۲۰,۲ | ۱۷,۷ | ۷۹۱ | ۴۳,۶ | ۱۹۴۷ | ۳۴,۲ | ۱۵۲۹ | ۴۴۶۹ | زن | |
| ۳,۷ | ۲۲,۷ | ۱۸,۰ | ۱۱۶۶ | ۴۴,۸ | ۲۸۹۷ | ۳۳,۵ | ۲۱۷۱ | ۶۴۷۱ | مرد | ۱۴۱۰ |
| ۴,۷ | ۳۳,۱ | ۱۹,۳ | ۱۳۵۹ | ۴۴,۲ | ۳۱۰۶ | ۳۱,۷ | ۲۲۳۰ | ۷۰۲۶ | زن | |
| ۴,۸ | ۴۶,۹ | ۲۱,۰ | ۲۰۳۵ | ۴۳,۴ | ۴۱۹۴ | ۳۰,۸ | ۲۹۷۷ | ۹۶۷۴ | مرد | ۱۴۲۰ |
| ۶,۵ | ۶۶,۸ | ۲۲,۴ | ۲۳۰۲ | ۴۱,۹ | ۴۳۰۶ | ۲۹,۱ | ۲۹۹۲ | ۱۰۲۶۸ | زن | |
| ۶,۵ | ۹۳,۲ | ۲۱,۸ | ۳۱۴۰ | ۴۴,۳ | ۶۳۶۴ | ۲۷,۴ | ۳۹۴۳ | ۱۴۳۷۹ | مرد | ۱۴۳۰ |
| ۸,۳ | ۱۲۷,۰ | ۲۲,۰ | ۳۳۴۵ | ۴۲,۹ | ۶۵۴۴ | ۲۶,۸ | ۴۰۷۹ | ۱۵۲۳۸ | زن | |

از دیگر سویی، برخی پژوهشگران همچون ضرغامی با استفاده از شاخص‌های دیگری مانند «میان‌سنی» ثابت کرده‌اند که طی دوره این پژوهش بیش از نیمی از جمعیت ایران را افراد بالای ۵۰ سال تشکیل خواهند داد. میان‌سنی از دیگر معیارهای استاندارد آماری است که کاربرد زیادی در مطالعه پویایی‌های سالخوردگی جمعیت دارد. براساس تعریف، جمعیت‌های با میان‌سنی کمتر از ۲۰ سال جمعیت جوان و بیشتر از ۳۰ سال جمعیت سالخورده شناخته می‌شوند. مابین این دو عدد، اگر روند به سوی جوانی باشد، جمعیت روبه جوانی و اگر به سوی سالخوردگی باشد، جمعیت رو به سالخوردگی شناخته می‌شود. نمودار شماره ۳ روند تغییرات میان‌سنی را طی ۷۰ سال برای جمعیت کل کشور نشان می‌دهد. ملاحظه می‌شود که این شاخص‌ها سال ۱۳۶۵ ثابت و در حد ۱۷ سال بوده است. از این زمان به بعد روند صعودی گرفته و با یک شیب نسبتاً ثابت و تند تا پایان دوره مورد مطالعه افزایش می‌یابد. در سال ۱۳۷۵، با توجه به میان‌سنی، جمعیت کشور هنوز جوان است ولی این شاخص، دو دهه بعد به ۳۰ سال می‌رسد و طی این دو دهه به یک جمعیت به سرعت رو به سالخوردگی تبدیل می‌شود. پیش‌بینی‌های طولانی‌تر سازمان ملل نشان می‌دهد که میان‌سنی کشور همچنان با همان سرعت افزایش خواهد یافت و در اوایل نیمه دوم قرن ۲۱ به بیش از ۵۰ سال هم خواهد رسید. به بیان دیگر، کشور ما حدود ۴ دهه دیگر جمعیتی خواهد داشت که نیمی از افراد آن بالای ۵۰ سال خواهند داشت. شاید به همین خاطر است که بسیاری معتقدند روند سالخوردگی در ایران منحصر به فرد خواهد بود.

یکی از معیارهای مهم دیگر، مربوط به سالخوردگی جمعیت، شاخص

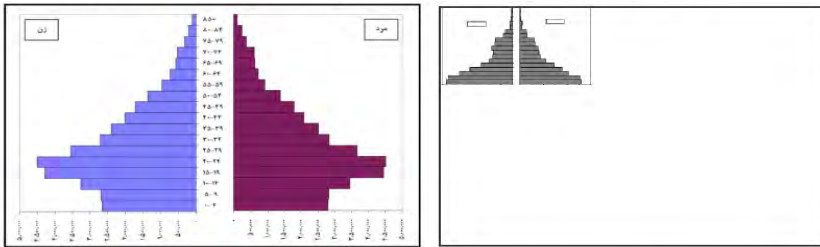
«سالخوردگی» یا همان نسبت جمعیت سالمندان به کودکان است که از تقسیم جمعیت بالای ۶۴ ساله به جمعیت زیر ۱۵ سال حاصل می‌آید. البته دامنه‌های دیگری را هم می‌توان برگزید. مثلاً نسبت جمعیت بالای ۵۰ ساله به جمعیت زیر ۱۰ سال، ولی معمولاً از روش اول استفاده می‌شود. شاخص سالخوردگی حداکثر حساسیت را نسبت به تفاوت‌های گروه سنی و تغییرات در ترکیب سنی دارد و برای برخی اهداف می‌تواند بهترین معیار موجود باشد؛ بنابراین معیار، جمعیت‌های با رقم زیر ۱۵ سال، جوان و بیش از ۳۰ سال، سالخورده محسوب می‌شوند. (ضرغامی، ۱۳۹۴، ص. ۷۳-۹۶)



شکل ۳. روند تغییرات شاخص سالمندی ۱۳۳۵-۱۴۲۰

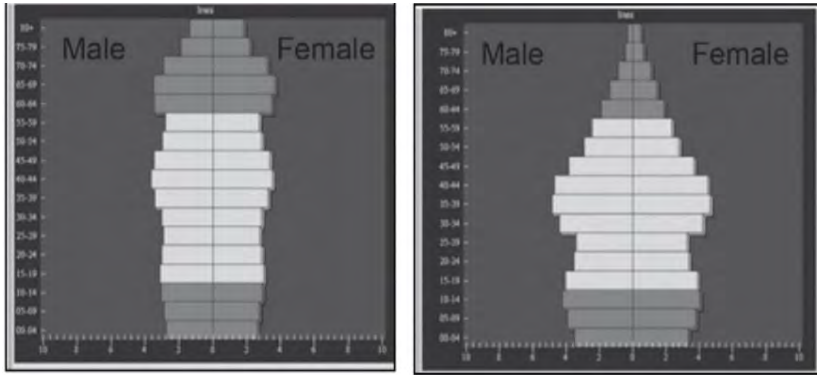
این شاخص در ایران تا سال ۱۳۶۵، روند کاهش تدریجی داشته و در این سال به زیر ۸ رسیده است (شکل ۳). این روند عمدتاً به خاطر کاهش مرگ‌ومیر کودکان و نوزادان و بخشی هم افزایش مولید بوده است که باعث شده میزان رشد سالیانه جمعیت کودک و نوجوان در این مدت بیش از میزان رشد جمعیت سالمند باشد. از سال ۱۳۶۵ و با کاهش سریع باروری، روند این شاخص هم معکوس شد و از اوایل دهه ۸۰، جمعیت ایران دیگر جوان نبوده است. این شاخص در سال‌های اول قرن آینده به حدود ۵ می‌رسد و تنها ۲۵ سال لازم است که شاخص سالخوردگی در سال ۲۰۵۰ به حدود ۱۷۰ برسد. به این ترتیب، در نیمه قرن بیست و یک، جمعیت سالمند کشور ۱٫۷ برابر جمعیت کودک و نوجوان خواهد بود (ضرغامی، ۱۳۹۴، ص. ۷۳-۹۶)

همچنین براساس شاخص «ساخت سنی» نیز جمعیت کشور ایران به‌سوی سالخوردگی می‌رود. سالخورده شدن جمعیت به معنی تغییر بنیادین در ساخت سنی جمعیت است. ساخت سنی در جمعیت‌های سالخورده با ساخت سنی جمعیت‌های جوان کاملاً تفاوت دارد. این شاخص هم از مناسب‌ترین ابزارهای جمعیت‌شناختی است که ساخت سنی و جنسی یک جامعه را بیان می‌کند. با استفاده از هرم‌های سنی در زمان‌های متفاوت به آسانی می‌توان تغییرات در ساخت سنی جمعیت را مشاهده کرد. در جمعیت‌های جوان، قاعده هرم، پهن‌تر و گسترده و رأس هرم باریک‌تر است. هرم‌های سنی که حجم کمتر جمعیت در سنین پایین و حجم بالای آن در سنین میانی را نمایش می‌دهند، نشان‌دهنده جمعیت‌های رو به سالخوردگی هستند. در جمعیت‌های سالخورده، شکل هرم سنی تقریباً شباهت زیادی به هرم ندارد، بلکه بیشتر به شکل استوانه است. این استوانه‌ها گویای حجم بالای جمعیت در سنین کهن‌سالی هستند. در نمودارهای نشان داده‌شده در شکل ۴، شکل هرم‌های سنی کشور در ۴ نقطه‌زمانی مشاهده می‌شود. هرم‌های سنی در طول آمارگیری‌های سال ۱۳۶۵، از نظر ساخت سنی، شبیه یکدیگر بودند. برای نمونه در اینجا، هرم سنی در سرشماری ۱۳۶۵ آورده شده است. در این سرشماری‌ها، قاعده هرم کاملاً پهن‌تر و گسترده بوده و همواره بیشتر از ۴۰ درصد جمعیت، زیر ۱۵ سال قرار داشته‌اند. سال‌های بعد نیز شکل هرم سنی جمعیت تغییر اساسی پیدا کرده و این اتفاق احتمالاً در تاریخ کشور ایران برای اولین بار رخ داده است. هرم سنی سال ۱۳۸۵، زمان این تغییرات و گستردگی آن را طی دوده‌ه قبل از آن نشان می‌دهد. طی این دوده‌ه، تعداد موالید در هر گروه سنی، کمتر از گروه سنی بالاتر بوده است. در سال ۸۵، تمرکز اصلی جمعیتی بین سنین ۱۵ تا ۲۹ ساله بوده که بیش از ۳۵ درصد جمعیت را شامل شده است. مسن‌تر شدن این گروه سنی است که سالخورده شدن شدید جمعیت کشور را در ۵۰ سال آینده رقم خواهد زد.



شکل ۴. هرم‌های سنی جمعیت ایران در سرشماری‌های ۱۳۶۵ (سمت راست) و ۱۳۸۵ (سمت چپ)

دو هرم سنی دیگر که بر مبنای پیش‌بینی‌های جمعیتی بخش جمعیت سازمان ملل ارائه شده است، نمایی واضح‌تر از تحولات سالخوردگی در سال‌های آینده را نشان می‌دهد. هرم سنی رسم شده برای سال ۲۰۲۵ (تقریباً معادل با ۱۴۰۵ خورشیدی) افزایش مجدد در زادوولد را منعکس می‌سازد که از تأثیر گشتاور جمعیت ناشی می‌شود. در اینجا، قیافه هرم سنی از شکل هرمی خود کمی دور شده و دو توده جمعیتی در آن دیده می‌شود: اولین قسمت در سنین حدود ۴۰ سالگی دیده می‌شود که بازماندگان همان موالید اوایل انقلاب یا همان نسل بیش‌زایی دهه شصت هستند. دومین قسمت و با حجمی کمتر، در سنین حدود ۱۰ سالگی هستند که موالید ناشی از گشتاور رشد جمعیت است. در این هرم سنی، سالمندان (قسمت تیره‌رنگ رأس هرم) سهم بیشتری را به خود اختصاص داده و اندازه آن‌ها در بالای هرم وسیع‌تر شده است. هرم سنی در سال ۲۰۵۰، یک هرم سنی کاملاً سالخورده و استوانه‌ای شکل خواهد بود. ملاحظه می‌شود که حجم گروه‌های سنی مختلف، تقریباً با یکدیگر برابر است و با هرم‌های سنی کشورهای سالخورده امروز همچون ژاپن شباهت فراوانی دارد. در این مورد هم حجم سالخوردگان نسبت به کودکان و نوجوانان (قسمت تیره‌تر قاعده هرم) بیشتر است. می‌توان با مقایسه این هرم و هرم سنی سال ۱۳۸۵، تغییرات را بهتر مشاهده کرد.



شکل ۵. هرم‌های سنی جمعیت ایران بر مبنای پیش‌بینی‌ها در سال ۲۰۲۵ (سمت راست) و ۲۰۵۰ (سمت چپ)

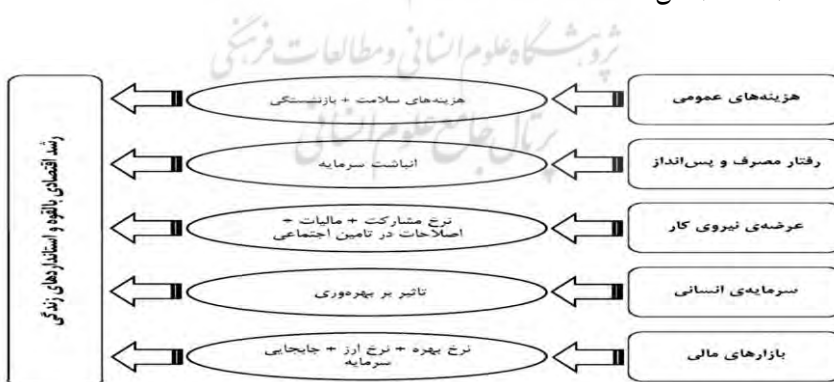
از مجموع موارد این بخش می‌توان نتیجه‌گرفت که حدود دودهمه‌دیگر، جمعیت بزرگی از سالخوردگان را کشور ایران خواهد داشت. احتمالاً در آن زمان، اوج خاکستری شدن جمعیت ایران رخ خواهد داد. این موضوع به شدت بر متغیرهای بحث بازار کار، سازمان‌های دخیل در بازنشستگی، منابع دولتی، رشد و توسعه و در نتیجه امنیت کشور تأثیر خواهد گذاشت.

۹. جمع‌بندی مسائل اجتماعی مرتبط با مسئله سالمندی ایران

باتوجه به گستردگی موارد این حوزه و با هدف جمع‌بندی مباحث، پژوهشگر ناگزیر از اولویت‌بندی و سازمان‌دهی مطالب در سه حوزه: اقتصادی، رفاه و توسعه و خانواده شد. لازم به توضیح است که این سه حوزه، به‌عنوان موارد اصلی و چالش‌برانگیز برای دولت و سیاست‌گذاران در قبال مسئله سالمندی جمعیت، شناسایی شدند و به‌نظر می‌رسد بین این متغیرها و مسئله سالمندی رابطه‌ای مستقیم و دوسویه وجود دارد. به‌عبارت‌دیگر، مسئله سالمندی بر این حوزه تأثیرگذار و متقابلاً از آن‌ها تأثیر می‌پذیرد. از طریق سیاست‌گذاری مناسب برای مسئله سالمندی می‌توان تأثیر و فشار بار این متغیرها بر سیستم‌های دولتی و غیردولتی دخیل در مسئله سالمندی را تعدیل و کنترل کرد.

۹-۱. تأثیرات مسئله سالمندی ایران بر حوزه اقتصاد:

باسخا و همکاران (۱۳۹۴) در زمینه رابطه مسئله سالمندی جمعیت ایران و اقتصاد کشور معتقدند که: ایران جزء کشورهای در حال توسعه‌ای است که به شدت با مسئله سالمندی جمعیت روبرو است. این مسئله و تبعات آن برای دهه‌های متوالی، اقتصاد ایران را با چالش مواجه خواهد کرد. یکی از راه‌های مؤکد برای روبروشدن با آثار اقتصادی سالمندی، توجه به رشد اقتصادی و جلوگیری از شدت یافتن تأثیرات ویرانگر تغییرات در ساختار جمعیتی بر شاخص‌های متعدد اقتصادی است؛ اما مبانی نظری بیانگر آن است که رشد اقتصادی، خود؛ متأثر از پدیده سالمندی است و این شاخص نیز به صورت منفی از پیری جمعیت تأثیر می‌پذیرد. به عبارت روشن‌تر، سایر اثرات اقتصادی سالمندی از مجاری مختلف بر توسعه اقتصادی تأثیر می‌گذارد و محاسبه نقش پیری جمعیت و توسعه اقتصادی، در حقیقت برآیند اثرات مستقیم و غیرمستقیم این پدیده در توضیح روند تغییر درآمد و استانداردهای زندگی خواهد بود. آن‌ها در تصویر زیر نشان داده‌اند که پیری از طریق پنج مسیر عمده، بر شاخص‌های بنیادین اقتصادی و در نهایت توسعه اقتصادی تأثیرگذار است. لذا بررسی تأثیرات این رخداد بر نوسانات رشد اقتصادی ایران برای مقابله با تبعات بیشتر پیری در دهه‌های آتی راهگشا خواهد بود (باسخا، ۱۳۹۴، ص. ۱۳۱-۱۴۶)



شکل ۶. اثرات سالمندی جمعیت بر رشد اقتصادی

آنچه تا به امروز در مورد اثرات منفی سالمندی، مورد توجه قرار گرفته، تمرکز بر موضوعاتی مثل تأمین اجتماعی و هزینه‌های بهداشت و درمان و اثر فزاینده کهن‌سالی بر افزایش هزینه‌های مربوط به آن‌هاست؛ اما آثار کهن‌سالی افزون‌تر از این دو مقوله است و تبعات آن می‌تواند در تمام جنبه‌های اقتصاد ملی یک کشور تأثیر بگذارد. مطالعات انجام‌شده نشانگر آن است که تأمین اجتماعی و بازنشستگی، بازار نیروی کار و دستمزدها، بازارهای مالی و سرمایه‌ای، سطح سرمایه‌های انسانی در جوامع، توازن بودجه و متغیرهای مالی عمومی، سطح مصرف و پس‌انداز ملی و دیگر متغیرهای اقتصادی با درجات متفاوتی، تحت تأثیر پیری قرار دارند؛ اما در این بین رشد اقتصادی با توجه به اهمیت و حساسیتی که دارد، از اهمیت بسیار بیشتری برخوردار است. بر این اساس می‌توان بیان داشت که در دهه‌های آتی، رشد درآمد سرانه به تدریج متأثر از افزایش سالمندی جمعیت در ایران خواهد بود. در صورتی که تمهیدات لازم برای مقابله با این رخداد در نظر گرفته نشود، توسعه اقتصادی به‌عنوان مهم‌ترین شاخص اقتصادی توسعه از طریق محدود شدن یکی از مهم‌ترین عوامل تولید که همان نیروی انسانی است، با محدودیت افزون‌تری روبرو خواهد شد. (ادیب‌نیا، ۱۳۹۰) در این زمینه بیان می‌کند که رفتار اقتصادی زمانی که پیری جمعیت در نتیجه تغییرات نرخ زاد و ولد به وجود آید، با بهره‌گیری از دوسناریوی مختلف قابل تفسیر است: کاهش مستمر نرخ زاد و ولد و سناریوی کم‌زایی در پی یک بیش‌زایی اولیه که نتایج شبیه‌سازی آن نشان داده کاهش نرخ باروری کل، میزان سرمایه و نرخ دستمزدها را در درازمدت افزایش و نرخ بهره را کاهش می‌دهد. (ادیب‌نیا، ۱۳۹۰)

(سینکوتا و سجادپور، ۲۰۱۷) اعتقاد دارند که ایران با فشارهای زیادی از سوی نسل بالغی که وارد کهن‌سالی می‌شوند، روبرو خواهد شد. بزرگ‌ترین جمعیت کار برای ایران در سال ۲۰۱۸ (۱۳۹۴) خواهد بود؛ اما در ۴۰ سال بعد و بعدتر، قریب به اتفاق کارگران و کارمندان فعلی ایران بازنشسته می‌شوند. در حال حاضر سن بازنشستگی ۶۵ سال برای مردان و ۵۵ سال برای زنان است. انتظار می‌رود این موج بازنشستگان در اواخر دهه ۲۰۴۰ (۱۴۲۰) سیستم

بازنشتگی عمومی و سیستم‌های بهداشتی را با چالش روبرو سازند. سیستم بیمه اجتماعی ایران یک سیستم عمومی و به شکل مشمولیت‌های اجباری است و شامل مجموعه‌ای از خدمات عمومی و بودجه‌های شغلی است که به صورتی ناسازگار طراحی و مدیریت شده است. باین حال چون تعداد شهروندان در حال بازنشتگی ایران نسبتاً اندک هستند، آسیب مالی آن تاکنون قابل تحمل بوده است؛ اما این شرایط با ظهور مسئله پیری جمعیت، تغییر خواهد کرد و با وضعیت بسیار دشواری روبرو خواهد شد. طی ۲۵ سال آینده انتظار می‌رود از هر پنج شهروند ایرانی، یک نفر بیش از ۶۵ سال سن داشته باشد و این موضوع ضمن دارا بودن ارتباط مستقیم با سیستم بازنشتگی، این سیستم را دچار بحران خواهد کرد. نویسندگان گزارش بانک جهانی که در سال ۲۰۰۳ (۱۳۷۸) و به سفارش دولت وقت ایران به تهیه گزارشی در مورد نظام بازنشتگی کشور پرداختند، انتظار داشتند که سیستم فعلی بازنشتگی ظرف مدت ۳ تا ۱۰ سال دچار بدهی و ورشکستگی شود. این همان چیزی است که اتفاق افتاده است. از ۲۲ صندوق سرمایه‌گذاری خصوصی و عمومی تنها دو صندوق در حال حاضر قادر به پرداخت حقوق بازنشتگی به طور کامل هستند. (CINCOTTA, 2017)

۹-۲. تأثیرات مسئله سالمندی ایران بر حوزه رفاه و توسعه اجتماعی:

از نیمه قرن بیستم ارتباط بین رشد اقتصادی و مسائل جمعیتی بیشتر شناخته و منجر به برنامه‌ریزی «جامع توسعه» در سطح جهانی و در کشورهای مختلف شده است. برای برنامه‌ریزی و فرموله کردن سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه در سطح ملی، به روابط موجود میان عوامل جمعیتی از یک سو و عوامل اجتماعی و اقتصادی از سوی دیگر می‌بایست توجه خاص مبذول داشت. علمای اجتماعی معتقدند که پیدایش یک انسان در یک جامعه صنعتی که دارای سازمان و مدیریت اجتماعی دقیق‌تر است، فشارهای بیشتری، به منابع موجود (منابع طبیعی) وارد می‌آورد تا پیدایش انسان در جهان سوم، یعنی جایی که کنترل و احاطه‌ای بر منابع وجود ندارد. وضعیت جامعه اول در نتیجه وجود برنامه‌ریزی‌های مختلف اجتماعی و اقتصادی است. برنامه‌ریزی‌های اجتماعی و اقتصادی یا برنامه‌های توسعه معمولاً «بخشی»

بوده و به صورت کوتاه مدت، میان مدت و دراز مدت انجام می گیرد. اگر در برنامه ریزی ها تأثیرات جمعیتی را در زمینه های مختلف اجتماعی و اقتصادی در نظر نگیرند یا بالعکس، نتیجه مطلوبی از آن برنامه ریزی حاصل نخواهد شد. اندازه جمعیت، رشد جمعیت، ترکیب سنی و جنسی جمعیت و فاصله سنی جمعیت شاخص های تعیین کننده تولید، مصرف و اشتغال، سرمایه گذاری و... به حساب می آیند. برنامه ریزی مطلوب نیاز به آگاهی از شاخص های بالا دارد. از طرف دیگر، میزان های مرگ و میر، باروری، مهاجرت و شهرنشینی همگی متأثر از توسعه اجتماعی - اقتصادی هستند. (شیخی، م، ۱۳۸۰: ۱۹۸) اما برخی صاحب نظران اعتقاد دارند که افراد سالخورده در سیاست های توسعه همواره در حاشیه باقی می مانند. (ویلیس، ۱۳۹۳: ۱۶۸)، همچنین (نوروزیان، ۲۰۱۲) در بیان پیامدهای مهم سالمندی جمعیت در حوزه سیستم بهداشتی ایران به مواردی چون:

۱. افزایش سریع تعداد زنان مسن نسبت به مردان که باعث ایجاد آسیب های اجتماعی می شود.

۲. مهاجرت های داخلی و خارجی و بین شهری که باعث می شود مراقبت های سالمندی کمتر شود و معمولاً افراد سالمند بدون حمایت فرزندان زندگی کنند.

۳. تغییرات در شیوه های زندگی سنتی: که عبارت است از تغییر ساختار خانواده و ایجاد خانواده های هسته ای و زندگی جداگانه اعضای خانواده

۴. کاهش استانداردهای سلامت روانی از لحاظ افسردگی و بیماری ها اشاره کرده است. (Noroozian, 2012) هریک از چهار عامل بالا، تبعات اقتصادی و رفاهی و اجتماعی خاص خود را دارد. افزایش آمار زنان سالمند با توجه به فقدان چتر حمایتی مستقل، افزایش بار مسئولیت دولت را به دنبال خواهد داشت. روند افزایشی مهاجرت های درون شهری و برون شهری (که می تواند معلول و هم علتی برای افزایش مسائل جانبی سالمندان باشد) نیز بار مسئولیت دولت در قبال سالمندان را افزایش خواهد داد. تغییر شیوه زندگی سنتی نیز تضعیف شبکه حمایت از سالمندان و نقش سنتی خانواده در قبال سالمندان و به دنبال آن، افزایش بار مسئولیت دولت را به همراه خواهد آورد. کاهش استانداردهای سلامت روانی نیز

عواقبی چون افزایش هزینه‌های سلامت، تغییر بافت سنتی خانواده، افزایش مهاجرت و به هم ریختگی روابط زوجین سالمند و به تبع آن افزایش تعداد زنان سالمند و از برآیند این مجموعه؛ افزایش بار مسئولیت دولت را در پی خواهد داشت؛ بنابراین این چرخه مسائل علت و معلولی برآیند افزایش مسئولیت‌ها و هزینه‌های دولت را به ارمغان خواهد آورد.

(شیرازی خواه، ۱۳۸۹) به فقدان پشتوانه قوانین مرتبط با سالمندی پرداخته و (پاگردعلیشاهی، ۱۳۹۶) در مطالعه خود به ساختار سنی جمعیت و تأثیرات آن بر توزیع درآمد طی دوره زمانی ۱۳۶۴ تا ۱۳۹۴ براساس برآورد ضرایب جینی هزینه (درآمد) خانواده در مناطق متفاوت شهری و روستایی در گروه‌های سنی سرپرست خانوار، پرداخته و به این نتیجه رسیده که به دنبال افزایش سن سرپرست خانوارها، توزیع نابرابر درآمد در گروه‌های مذکور افزایش می‌یابد. (پاگردعلیشاهی، ۱۳۹۶) در این حالت بیشترین نابرابری متعلق به گروه سنی ۶۵ سال و بالاتر است. از سوی دیگر (کوششی و همکاران، ۲۰۱۴) معتقدند که علی‌رغم وجود مؤسسات دخیل در امر سالمندی در ایران یعنی: وزارت تعاون کار و رفاه اجتماعی، سازمان رفاه دولتی، کمیته امداد امام خمینی، صندوق‌های بیمه و بازنشستگی، وزارت بهداشت و آموزش عالی، دانشگاه‌های علوم پزشکی و مراکز تحقیقاتی، شهرداری‌ها، مؤسسات خیریه، زیرساخت‌ها و ظرفیت‌های لازم برای غلبه بر مشکلات سالمندی در کشور وجود ندارد. عمده دلایل این ناکارآمدی عبارتند از: پوشش ضعیف صندوق بازنشستگی و بیمه‌های تکمیلی، طرح‌ها و سیاست‌های ضعیف، حمایت مالی ناکافی از مؤسسات مرتبط، شرایط زندگی در جوامع دستخوش فرایند مدرنیته، جدایی پدر و مادر از فرزندان در اثر مهاجرت‌های گسترده، تغییر آرمان‌ها و ارزش‌ها و انواع نابرابری‌های اجتماعی. (شیرازی خواه، ۱۳۸۹: ۳۴) همچنین (خلیفه سلطانی، ۱۳۸۹) در یک رویکرد کلان‌تر رابطه بین سالمندی با اندازه دولت را نشان داده است و اعتقاد دارد، مسئله سالمندی دخالت و سازمان‌دهی بیشتری را از سوی دولت می‌طلبد که لاجرم به بزرگی حجم دولت منجر خواهد شد. (خلیفه سلطانی، ۱۳۸۹: ۵)

۹-۳. تأثیر مسئله سالمندی بر حوزه نهاد خانواده:

(نوروزیان، ۲۰۱۲) در این زمینه اعتقاد دارد از منظر تاریخی و دینی مراقبت از افراد سالخورده همواره یکی از تعهدات اصلی برای خانواده‌ها (تقریباً در همه مذاهب و فرهنگ‌ها) بوده است. از این رو فرستادن سالمندان به خانه‌های سالمندی امری پسندیده در فرهنگ، سنت و عرف موجود نیست. با این حال در نتیجه افزایش زندگی شهرنشین، مهاجرت در مقیاس بزرگ، اشتغال زنان و مردان، کوچک‌تر شدن خانواده‌ها، انتظارات طولانی مدت زندگی سالخوردگان، تغییرات عمده در نگرش عمومی نسبت به این امر صورت گرفته است. این پدیده در شهرهای بزرگ مانند شهر تهران بیشتر مشهود است. (Noroozian, 2012)

(قاسمی نیایی، ۱۳۷۹) نیز به مشکلات خانوادگی حاصل از عدم انطباق‌پذیری زوجین سالمند پرداخته است و نشان داده که این دو متغیر رابطه دوسویه با هم دارند. همان‌طور که پیش‌تر نیز بیان شد، کاهش نقش حمایتی خانواده به معنی تضعیف شبکه حامی سالمندان و افزایش بار مسئولیت دولت نسبت به این قشر خواهد بود. همچنین افزایش بار مالی خانوارهای دارای سالمند یا حامی سالمند نیز خود زنجیره دیگری از مسائل اقتصادی و اجتماعی خانواده را به دنبال دارد که طبیعتاً از نقش حمایتی خانواده در قبال سالمندان کاسته و شبکه حمایتی سنتی سالمندان را بیش از پیش ضعیف و بار مسئولیت دولت را می‌افزاید. عدم انطباق بین زوجین سالمند نیز علاوه بر به هم ریختن هسته خانواده، نتایجی چون افزایش تعداد زنان سالمند بدون سرپرست و بدون حامی مالی، کاهش استانداردهای سلامت روانی، افزایش مسئولیت فرزندان و در نتیجه دور جدیدی از تضعیف شبکه غیررسمی حمایت از سالمندان و در مقابل افزایش مسئولیت و هزینه‌های دولت را به ارمغان خواهد آورد. (قاسمی نیایی، ۱۳۷۹: ۳۴)

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج این بررسی نشان داد که در حال حاضر جمعیت ایران به سرعت در حال انتقال سنی است و در اثر کاهش باروری و افزایش امید زندگی به طور روزافزون تعداد و درصد جمعیت میان‌سال و سالخورده افزایش می‌یابد و از جمعیت نوجوان

و جوان کاسته می‌شود.

براساس شاخص‌ها و آمارهای محاسبه‌شده در مورد جمعیت ایران باید گفت که جمعیت ایران از نظر ساختاری در مرحله میان‌سالی (رو به سالخوردگی) است و در وضعیت کنونی افزایش جمعیت فعال، ساختار سنی مطلوب و مساعدی را ایجاد و فرصت ایده‌آلی برای پیشرفت و بهبود توسعه ایجاد می‌کند؛ اما ضرورت برنامه‌ریزی برای زمانی که جمعیت فعال کاهش و درصد سالمندان افزایش می‌یابد، احساس می‌شود که با برنامه‌ریزی صحیح می‌توان دوران مطلوبی را برای سالمندان خلق کرد و از طرف دیگر، بار اقتصادی ناشی از سالمندی جمعیت را تا حدودی کاهش داد.

جمع‌بندی نهایی بحث اینکه مسائل اجتماعی مرتبط با مسئله سالمندی در حوزه‌های اقتصادی، رفاه و توسعه و خانواده به شدت در هم تنیده و در اثر مسئله سالمندی آسیب‌پذیر هستند و در صورت غفلت از آگاهی سیاست‌گذاران نسبت به نقش آن‌ها و عدم‌اهتمام به تقویت آن‌ها؛ زنجیره‌ای از مسائل و مشکلات پیچیده را به وجود خواهد آورد که برآیند این مسائل، مسئولیت دولت ایران را در قبال مسئله سالمندی جمعیت در دودهمه آینده افزایش خواهد داد. با توجه به اینکه در کشور ما در زمینه حمایت از سالمندان برنامه‌ای منسجم و هدفمند وجود نداشته است، به نظر می‌رسد که در ابتدا باید میان سازمان‌های متولی امور سالمندان انسجامی هماهنگ صورت‌پذیرد و ارتباط بین آن‌ها به نحوی باشد که تمامی برنامه‌های مصوب این سازمان‌ها از قدرت اجرایی برخوردار شود. به بیان دیگر می‌توان گفت که لازمه‌ی اجرایی‌شدن برنامه‌های مربوط به سالمندان این است که سازمان‌های مذکور در یک جهت حرکت کرده و از برنامه‌های مصوب یکدیگر حمایت کنند و با ایجاد زمینه دسترسی سالمندان به امکانات آموزشی، بهداشتی و تغذیه‌ای از طریق از میان‌بردن نابرابری اجتماعی و اقتصادی و دستیابی به سالمندی سالم و فعال، مشکلات سالمندان به حداقل برسد. به نظر می‌رسد با غفلت از این مسائل، علاوه بر مشکلات سالمندی، کل سیستم اجتماعی کشور دچار اختلال و بحران خواهد شد و می‌توان گفت که این موضوع تمامی برنامه‌های میان

و کوتاه مدت آینده و توسعه و امنیت کلی کشور را تحت تأثیر خود قرار خواهد داد؛ بنابراین تغییرات در این عوامل می تواند به عنوان چالشی پیش پای سیاست گذاران عمومی یا به عنوان ابزاری مؤثر در دست آنان باشد.

مقایسه میزان فعالیت سالمندان و میزان فعالیت افراد در سنین کار نشان می دهد که این میزانها مشابه همدیگرند. به دلیل عدم کفایت حقوق بازنشستگان کشوری به رفع نیازهای اولیه زندگی، اکثر سالمندان بعد از پایان خدمت ۳۰ ساله اداری مجبور هستند، مجدداً ادامه فعالیت داده یا فعالیت جدیدی را شروع کنند. البته این خصوصیت در بین مردانی که مسئولیت خانواده را برعهده دارند، مشهودتر است. این امر در مورد زنان کمتر مصداق دارد، به بیان دیگر زنان سالمند بعد از پایان خدمت اداری اکثراً فعالیت اقتصادی را رها می کنند و تعداد کمی که احتمالاً مسئولیت خانواده را هم برعهده دارند، به فعالیت اقتصادی خود ادامه می دهند.

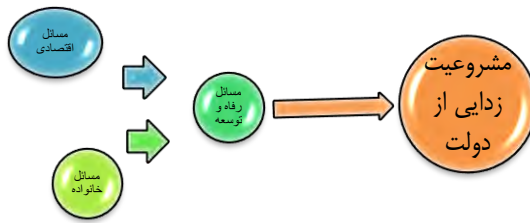
از طرف دیگر امنیت، به معنای مصونیت ارزش های نادر انسان یا جوامع از مخاطره های طبیعی و انسانی است. امنیت فارغ از عینی یا ذهنی بودن، زیربنای تمام پیشرفت ها بوده است؛ بنابراین، جستجوی امنیت، مهم ترین انگیزه ی انسان است که با جوهره ی هستی انسان، پیوندی ناگسستنی دارد. توازن داشتن یا نداشتن ساختار جمعیت، بر مسائل آموزشی، رفاهی، خدمات رسانی، بیکاری و به طور کلی، مسائل امنیتی در سطح خرد و کلان یک کشور تأثیر می گذارد.

امروزه امنیت نظامی جای خود را به امنیت اجتماعی داده که به معنای وجود امنیت در همه ابعاد اقتصادی و اجتماعی است. امنیت اجتماعی به معنای تمهید فضا و ابزارهای لازم برای ابراز وجود و طرح نظر گروه های مختلف اجتماعی از قبیل زنان، جوانان، اقوام و اقلیت ها، هنگامی مؤثر و مطرح است که به عنوان یک امر گریزناپذیر یا یک ارزش پذیرفته شود. امنیت اجتماعی به عنوان یکی از حساس ترین و مهم ترین نوع امنیت، از عناصر اساسی حیات انسان هاست. بدون شک هیچ عنصری برای پیشرفت و توسعه یک جامعه و همچنین شکوفایی استعدادها، مهم تر از عنصر امنیت و تأمین آرامش در جامعه نیست. امنیت

دارای دو معنای ایجابی (یعنی وجود احساس رضایت و اطمینان خاطر نزد دولتمردان و شهروندان) و سلبی (یعنی نبود ترس، اجبار و تهدید) است. امنیت اجتماعی موردنظر، اطمینان خاطر جامعه درقبال تحولات عادی و تحرکات عمدی معطوف به سلامت و هویت خود است. امنیت اجتماعی و مولفه‌های آن مانند انسجام گروهی، نظم عمومی، سلامت و مهارت افراد، امید به زندگی و امنیت هویت، نقش مهمی در بقا و بالندگی ملت‌ها دارند و این موضوع برای همه گروه‌های اجتماعی لازم است؛ در این میان سالمندان به‌عنوان گروه در حال رشد و آسیب‌پذیر نقش مهمی در امنیت اجتماعی دارند.

نتایج بررسی‌ها نشان داد که هرم سنی سالمندان در بین جمعیت نمونه از سنین شصت‌سالگی به بعد سریعاً در حال باریک شدن است؛ به نحوی که از این مرز سنی به بعد، فقط ۶۰ درصد سالمندان دارای همسر بوده‌اند. یافته‌های تحقیق خود بیانگر انعکاسی روشن از موقعیت اقتصادی، اجتماعی، درمانی، حمایت‌های عاطفی و ارتباط فرزندان با آن‌هاست. سالمندان جدید یا متولدین سال‌های ۱۳۲۰ به بعد، در شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی عصر حاضر، در مقایسه با سالمندان نسل‌های پیش از آن، به‌ویژه در شهر تهران دارای نیازها و انتظارات جدیدی هستند که می‌بایست توسط موسسات ذی‌ربط پاسخ داده شوند. در واقع سالمندان در سال‌های آینده خواستار امنیت اجتماعی هستند و بی‌توجهی به خواست‌های آنان، امنیت ملی را به مخاطره می‌اندازد.

با وجود این پیوند راهبردی میان تحول ساختاری جمعیت و مسائل امنیتی و به‌دلیل اینکه جمعیت، عامل و متغیری مستقل برای رخدادهای امنیتی نوین قلمداد می‌شود، در واقع محیط امنیتی هر دولت، برآیندی از کنش و واکنش متغیرهای محیط داخلی و شرایط محیط خارجی است. در این زمینه بی‌توانی در ترکیب جمعیت و سالمندی آن می‌تواند عامل منفی در توسعه و پیشرفت باشد و مسائل اقتصادی در کنار مسائل خانواده، منجر به کاهش رفاه و توسعه جامعه شود و با مشروعیت‌زدایی از دولت، امنیت ملی را خدشه‌دار سازد.



هدف اصلی و پیشنهاد این پژوهش (حل مسائل سالمندی جمعیت در دودهمه آینده) طراحی الگوی سیاست گذاری عمومی دولت جمهوری اسلامی ایران در قبال مسئله مورد بحث است. در این الگو علاوه بر حل مشکلات اقتصادی و مسائل ناشی از تغییرات خانواده، باید رفاه نسبی برای سالمندان به عنوان قشر آسیب پذیر فراهم کرد. بررسی ها نشان داده است، افزایش وابستگی سالمندان و کاهش جمعیت در سن کار (افراد ۱۵ تا ۶۵ ساله) از جمله مهم ترین چالش های جمعیتی ناشی از سالمندی در سال های آینده در ایران است. همچنین که کشور با سالمند شدن جمعیت با چالش های اجتماعی ای مانند افزایش شکاف نسلی بین جوانان و سالمندان و جمع شدن چترهای حمایتی خانواده از سالمندان روبرو خواهد بود. علاوه بر این مهم ترین چالش اقتصادی کشور با افزایش سن جمعیت نیز افزایش فشار مالی در صندوق های بازنشستگی و بیمه است و افزایش هزینه های درمان نیز تبدیل به مشکلی برای سیاست گذاران کشور و جمعیت سالمندان خواهد شد. در صورت این تغییرات جمعیتی، طبعاً تغییراتی در ساختار جامعه و نهادهای اجتماعی هم رخ می دهد که امنیت ملی و اجتماعی را به مخاطره می اندازد.

منابع و ماخذ

- ادیب‌نیا، ا. (۱۳۹۰). بررسی اثرسالمندی جمعیت بر متغیرهای کلان اقتصادی. تهران: پایان‌نامه کارشناسی ارشد، علوم اجتماعی و اقتصادی دانشگاه الزهرا.
- آزر، ا. (۱۳۹۴). امنیت ملی در جهان سوم. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی. آشوری، د. (۱۳۸۷). دانشنامه سیاسی. تهران: نشر مروارید.
- باسخا، م. (۱۳۹۴). تأثیر سالمندی جمعیت بر رشد اقتصادی غیرنفتی ایران. مجله دانشکده پیراپزشکی دانشگاه علوم پزشکی، ۱۳۱-۱۴۶.
- پاگردعلیشاهی، ف. (۱۳۹۶). بررسی ارتباط سالمندی جمعیت با نابرابری درآمد در ایران، پایان. دانشکده علوم انسانی دانشگاه غیردولتی، غیرانتفاعی خاتم.
- جهانفر، م. (۱۳۷۴). جمعیت‌شناسی عمومی. تهران: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه پیام نور.
- خلیفه سلطانی، س. (۱۳۸۹). بررسی رابطه سالمندی با اندازه دولت و مخارج رفاهی اجتماعی در ایران. اهواز: دانشکده اقتصاد دانشگاه چمران اهواز.
- زارع، ع. (۱۳۸۰). مبانی مشروعیت و قدرت جمهوری اسلامی ایران از ۱۳۵۷ تا ۱۳۷۵. تهران: موسسه فرهنگ و دانش.
- زنجانی، ح. ا. (۱۳۷۸). جمعیت‌شناسی. تهران: سمت.
- سام آرا، ع. (۱۳۹۳). جمعیت و رفاه اجتماعی. تهران: نشر علم.
- سمیعی نسب، ت. (۱۳۸۹). شاخص‌ها و سیاست‌های جمعیتی در ایران. فصلنامه برداشت دوم، ۱۵.
- شافریتز، ج. ا. (۱۳۹۰). سیاست‌گذاری عمومی در ایالات متحد آمریکا. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق.
- شیخی. (۱۳۶۸). مقدمه‌ای بر مبانی جمعیت‌شناسی. تهران: نشر آرام.
- شیخی، م. (۱۳۸۰). مبانی و مفاهیم جمعیت‌شناسی. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- شیرازی خواه، م. (۱۳۸۹). بررسی وضعیت و قوانین موجود مربوط به سالمندان در ایران. پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی گروه آموزش سالمندان.
- ضرغامی، ح. (۱۳۹۴). نگاهی به تحولات سالخورده‌گی در ایران. دوفصلنامه علمی

- پژوهشی الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی، ۷۳-۹۶.
- علی احمدی، ع. (۱۳۸۰). ارائه متدولوژی تحلیل روند برای شکل گیری استراتژی و آینده‌نگاری. نشریه علمی- پژوهشی مدیریت فردا، ۹.
- فارس، م. م. (۲۰۱۹، ۲۵۲). مفهوم و ماهیت امنیت ملی. بازیابی در ۱۲۹، ۲۰۲۰، از مرکز مطالعات خلیج فارس: <http://www.persiangulfstudies.com/fa/pages/764>
- قاسمی نیایی، ف. (۱۳۷۹). بررسی مؤلفه‌های انطباق‌پذیری زوجین در دوران سالمندی. تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- محمدتقی، پ. (۱۳۹۲). مشروعیت، ثبات سیاسی و امنیت ملی در ایران. فصلنامه علمی- پژوهشی امنیت ملی، ۵۸.
- مشفق، م. (۱۳۸۴). انتقال سنی در ایران: تحولات سنی جمعیت و سیاست‌گذاری‌های اجتماعی، جمعیتی. فصلنامه جمعیت، ۹-۱۰.
- مشفق، م. (۱۳۹۱). تحولات جمعیتی ایران، لزوم تجدیدنظر در سیاست‌های جمعیتی. مجله مطالعات راهبردی زنان، ۱۷۲-۱۵۱.
- میرزایی، م. (۱۳۸۶). جمعیت‌شناسی سالمندان در ایران بر اساس سرشماری‌های ۱۳۸۵-۱۳۳۵. سالمند (مجله سالمندی ایران)، ۳۲۶-۳۳۱.
- نش، ک. (۱۳۹۴). راهنمای جامعه‌شناسی سیاسی. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ویلیس، ک. (۱۳۹۳). نظریه‌ها و تجربه‌های توسعه. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- CINCOTTA, R. (2017, 12 18). *Iran in Transition: The Implications of the Islamic Republic's Changing*. 2. Iran in Transition: The Implications of the Islamic Republic's Changing, RICHARD CINCOTTA <https://carnegieendowment.org/2017/12/18/iran-in-transition-implications-of-islamic-republic-s-changing-demographics-pub-75042>.
- Gavrilov , A. L. (2003). *Aging of Population*. USA: NeMacmillan Reference .
- Noroozian, M. (2012). The Elderly Population in Iran: An Ever Growing Concern in the Health System. *National Center for Biotechnology Information, U.S. National Library of Medicine*, 1-6.
- Swanson, A. D. (2004). *The Methods and Materials of Demography*. 4. The Methods and Materials of Demography, Second Edition 2nd [https://www.scirp.org/\(S\(lz5mqp453edsnp55rrgict55\)\)/reference/ReferencesPapers.aspx?ReferenceID=1252197](https://www.scirp.org/(S(lz5mqp453edsnp55rrgict55))/reference/ReferencesPapers.aspx?ReferenceID=1252197).

References

- A;Zare(2001). *Fundamentals of Legitimacy and Power of the Islamic Republic of Iran from 1978 to 1996*. Tehran: Institute of Culture and Knowledge. .[in persian]
- Ali Ahmadi, A. (2001). Provide Process Analysis Methodology for Strategy Formation and Foresight. *Journal of Tomorrow Management*, 9. . [in persian]
- Alishahi, F. (2017). Investigating the Relationship between Population aging and Income Inequality in Iran, end. Faculty of Humanities, Khatam Non-Governmental University. .[in persian]
- Azar, A. (2015). *National Security in the Third World*. Tehran: Research Institute for Strategic Studies .[in persian]
- Assyrian, d. (2008). *Political Encyclopedia*. Tehran: Morvarid Publishing. .[in persian]
- CINCOTTA, R. (2017, 12 18). *Iran in Transition: The Implications of the Islamic Republic's Changing*. 2. Iran in Transition: The Implications of the Islamic Republic's Changing,RICHARD CINCOTThttps://carnegieendowment.org/2017/12/18/iran-in-transition-implications-of-islamic-republic-s-changing-demographics-pub-75042.
- Gavrilov , A. L. (2003). *Aging of Population*. USA: NeMacmillan Reference .
- E;Adibneea(2010). Investigating the Effect of Population aging on Macroeconomic Variables. Tehran: Master Thesis, Social and Economic Sciences, Al-Zahra University. [in persian]
- E;Samara(2013). *Population and Social Welfare*. Tehran: Alam Publishing. [in persian]
- Fars;M;M(2019). The Concept and Nature of National Security. Retrieved on December 9, 2020, from the Persian Gulf Studies Center:

- <http://www.persiangulfstudies.com/en/pages/764> . [in persian]
- F;ghasemi neeaei(2000). Investigating the Adaptability Components of Couples in Old Age. Tehran: Allameh Tabatabai University. . [in persian]
- Jahanfar, M. (1996). General Demography. Tehran: Payame Noor University Publishing Center. [in persian]
- K;Nssh(2015). Handbook of Political Sociology. Tehran: Research Institute for Strategic Studies. . [in persian]
- Khalifa Soltani, S. (2010). Investigating the Relationship between aging and Government Size and Social Welfare Expenditures in Iran. Ahvaz: Faculty of Economics, Chamran University, Ahvaz. . [in persian]
- M;Basakha(2015) The Effect of Population aging on Iran's non-Oil Economic Growth. Journal of the School of Paramedical Sciences, University of Medical Sciences, 131-146. .[in persian]
- M;Sheykhi(1989). Introduction to the Basics of Demography. Tehran: Aram Publishing. . [in persian]
- M;Sheykhi(1989)). Fundamentals and Concepts of Demography. Tehran: Anteshar Co. . [in persian]
- M;Moshfegh(2005). Age Transmission in Iran: Population Age Changes and Social and Demographic policies. Population Quarterly, 9-10. . [in persian]
- M;Moshfegh(2012). Demographic Developments in Iran, the Need to Revise Population Policies. Journal of Women's Strategic Studies, 172-151. . [in persian]
- Mirzaei, M. (2007). Demographics of the Elderly in Iran Based on 1335-1385 censuses. Elderly (Iranian Journal of Aging), 326-331. . [in persian]
- Noroozian, M. (2012). The Elderly Population in Iran: An Ever Growing Concern in the Health System. *National Center for Biotechnology Information, U.S. National Library of Medicine*, 1-6.
- P;Mohammadtaghi(2013). Legitimacy, Political Stability and National Security in Iran. National Security Quarterly, 58. . [in persian]
- Samii Nasab, T. (2010). Indicators and Population Policies in Iran. Second Impression Quarterly, 15. . [in persian]
- Shafritz, J .; (2011). Public Policy in the United States. Tehran: Imam Sadegh University Press. . [in persian]
- Shirazikhah, M. (2010). Review of the Current Situation and Laws Related to

- the Elderly in Iran. Master Thesis, University of Social Welfare and Rehabilitation Sciences, Department of Elderly Education. . [in persian]
- Swanson, A. D. (2004). *The Methods and Materials of Demography*. 4. The Methods and Materials of Demography, Second Edition 2nd [https://www.scirp.org/\(S\(lz5mqp453edsnp55rrgict55\)\)/reference/ReferencesPapers.aspx?ReferenceID=1252197](https://www.scirp.org/(S(lz5mqp453edsnp55rrgict55))/reference/ReferencesPapers.aspx?ReferenceID=1252197).
- Willis, K.. (2014). *Development Theories and Experiences*. Tehran: Pajhwok. . [in persian]
- Zanjani, H. (1999). *Demographics*. Tehran: Samat. [in persian]
- Zarghami, H. (2015). A Look at the Developments of aging in Iran. *Journal of Iranian Islamic Progress*, 73-96. [in persian]

